

فصل دوم

هویت



● فصل دوم - هویت

● اهداف فصل دوم

- دانش آموز با مطالعه این فصل و انجام فعالیت‌های آن:
- تمایز، تعامل و تناسب هویت فردی و اجتماعی را با مثال توصیف می‌کند.
- به عوامل مؤثر در شکل‌گیری هویت خود، آگاه می‌شود و برای هویت‌یابی مطلوب، تلاش می‌کند.
- نقش جامعه‌پذیری و کنترل اجتماعی را در بازتولید هویت اجتماعی توضیح می‌دهد و به انجام امر به معروف و نهی از منکر رغبت نشان می‌دهد.
- فرصت‌ها و محدودیت‌هایی را که جهان‌های اجتماعی برای تحرک اجتماعی و پیدایش هویت‌های جدید فراهم می‌کنند نقد و ارزیابی می‌کند.
- هویت اجتماعی افراد را از هویت فرهنگی جهان اجتماعی تمیز می‌دهد و رابطه آنها را شرح می‌دهد.
- علل درونی و بیرونی تحولات هویتی جهان اجتماعی را بیان می‌کند و با تشخیص تحولات هویتی مثبت و منفی، خود را نسبت به سرنوشت تحولات هویتی جهان اجتماعی مسئول می‌داند.
- هویت ایرانی، اسلامی و انقلابی را افتخارآمیز می‌داند و برای تقویت آن تلاش می‌کند.
- به اهمیت ابعاد جمعیتی و اقتصادی هویت ایرانی پی می‌برد و برای اصلاح و بهبود آنها راهکارهایی پیشنهاد می‌کند.

خدایا این افتخار مرا بس که بنده تو ام و این عزت مرا بس که تو خدای منی.
 خدایا تو جهانی که من می خواهم، مرا آن کن که تو می خواهی. امام علی (ع)

درس ۸

هویت

«من کیستم؟»

در مورد هویت چه می دانید؟

در سال گذشته خواندید، آنچه در پاسخ به پرسش «کیستی؟» گفته می شود و شخص با آن از اشیا و افراد دیگر متمایز می گردد، هویت فرد را تشکیل می دهد. هویت با نوعی احساس مثبت یا منفی همراه است. افراد در موقعیت های گوناگون، با پرسش «کیستی؟» مواجه می شوند، یا از خودشان می پرسند: به راستی «من کیستم؟» آیا می توانید برخی از این موقعیت ها را نام ببرید؟

افراد در پاسخ به پرسش «کیستی؟» خودشان را معرفی می کنند و ممکن است در معرفی خود، به ویژگی هایی از این قبیل اشاره کنند: جوان، متولد دوم اسفند ۷۹، باهوش، مؤمن، گندمگون، وقت شناس، خجالتی، صبور، راست گو، ایرانی، کشاورز، روستایی و... در جدول زیر، چهار ویژگی هویتی خود را بنویسید و اکتسابی یا انتسابی بودن، فردی یا اجتماعی بودن و ثابت یا متغیر بودن آنها را تعیین کنید.

ویژگی های من	اکتسابی	انتسابی	فردی	اجتماعی	ثابت	متغیر
...						
...						
...						
...						

آیا هویتمان را خودمان می‌سازیم؟ ما در شکل‌گیری بعضی ویژگی‌های هویتی مانند مکان و زمان تولد یا دختر و پسر بودن نقشی نداریم؛ ولی بسیاری از ویژگی‌های هویتی مانند صفات اخلاقی و روانی را خودمان شکل می‌دهیم یا در شکل‌گیری آن نقش و سهم بسیاری داریم. بعضی ویژگی‌ها هستند که در به‌دست آوردن آنها نقشی نداریم، اما می‌توانیم با تلاش و کوشش خود، آنها را تغییر دهیم مانند منزلتی که از طریق خانواده‌مان به‌دست می‌آوریم و با کنش‌هایمان آن را تغییر می‌دهیم.

آیا هویتمان تغییر می‌کند؟ برخی از ویژگی‌های هویتی تغییر می‌کنند؛ مانند جایگاه فرد در جهان اجتماعی که تابع دانایی، توانایی، دارایی و... اوست، ولی برخی ویژگی‌ها تغییر نمی‌کنند؛ مانند زمان و مکان تولد و... هر فردی در طول زندگی خود، تغییرات هویتی بسیاری را پشت‌سر می‌گذارد؛ مثلاً از نوزادی، کودکی، نوجوانی و جوانی یا از بی‌سوادی، کم‌سوادی، دانشمندی و فرهیختگی می‌گذرد؛ ولی خود می‌داند همان شخصی است که همه آن تغییرات را سپری کرده است.

آیا هویت ما صرفاً اجتماعی است؟ فرد بدون ارتباط با دیگران یا عضویت در گروه‌های اجتماعی نمی‌تواند برخی ویژگی‌ها را داشته باشد؛ مثلاً ما تنها با عضویت در جامعه ایران، ایرانی محسوب می‌شویم؛ در حالی که زنگی یا تنبلی، صبوری یا زودرنجی و... ویژگی‌های فردی ما هستند.



■ هویت اجتماعی



■ هویت فردی

بخوانیم و بدانیم

گفته‌اند که یوسف را دو چیز بود بر کمال؛ یکی حُسن خلقت (جمال و زیبایی) و دیگری حسن سیرت (علم و معرفت).

خداوند، تقدیر چنان کرد که جمال وی سبب بلا گشت و علم وی سبب نجات تا عالمیان بدانند که علم نیکو به از صورت نیکو.

رشیدالدین میبدی

اگر بخواهید در یک وب‌نوشت، خود را معرفی کنید، چه می‌نویسید؟

«من بچه شاه عبدالعظیم هستم و در خانه‌ای به دنیا آمده و بزرگ شده‌ام که در هر سوراخش که سر می‌کردی، به یک خانواده دیگر نیز برمی‌خوردی. اینجانب اکنون چهل و شش سال تمام دارم. درست سی و چهار سال پیش یعنی، در سال ۱۳۳۶ شمسی در کلاس ششم ابتدایی مشغول درس خواندن بودم. در آن سال، انگلیس و فرانسه به کمک اسرائیل شتافتند و به مصر حمله کردند. بنده هم به عنوان یک پسر بچه ۱۳-۱۲ ساله، تحت تأثیر تبلیغات آن روز کشورهای عربی یک روز روی تخته سیاه نوشتیم: «خلیج عقبه از آن ملت عرب است». وقتی زنگ کلاس را زدند و همه ما سر جاپمان نشستیم اتفاقاً آقای مدیرمان آمد تا سری هم به کلاس ما بزند. وقتی این جمله را روی تخته سیاه دید، پرسید: «این را که نوشته؟» صدا از کسی در نیامد. من هم ساکت اما با حالتی پریشان سر جابم نشسته بودم. ناگهان یکی از بچه‌ها بلند شد و گفت: «آقا اجازه؟ این جمله را فلانی نوشته.» آقای مدیر هم کلی سر و صدا کرد و خلاصه اینکه: «چرا وارد معقولات شدی؟» و در آخر گفت: «بیا دم دفتر تا پرونده‌ات را بزنم زیر بغلت و بفرستمت خانه». البته وساطت یکی از معلمان، کار را درست کرد و من فهمیدم که نباید وارد معقولات شد. من از یک راه طی شده با شما حرف می‌زنم. خوشبختانه زندگی مرا به راهی کشانده است که ناچار شده‌ام روبرایستی را نخست با خودم و سپس با دیگران کنار بگذارم و عمیقاً بپذیرم که «تظاهر به دانایی» هرگز جایگزین «دانایی» نمی‌شود و حتی از این بالاتر، دانایی نیز با «تحصیل فلسفه» به دست نمی‌آید. باید در جست‌وجوی حقیقت بود و این متاعی است که هرکس به راستی طالبش باشد، آن را خواهد یافت و نزد خویش نیز خواهد یافت. دارای فوق لیسانس معماری از دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران هستم. اما کاری را که اکنون انجام می‌دهم، نباید با تحصیلاتم مربوط دانست. حقیر هرچه آموخته‌ام، از خارج دانشگاه است. بنده با یقین کامل می‌گویم که تخصص حقیقی در سایه تعهد اسلامی به دست می‌آید و لاغیر. قبل از انقلاب، فیلم نمی‌ساخته‌ام، اگر چه با سینما آشنایی داشتم. اشتغال اساسی حقیر قبل از انقلاب در ادبیات بوده است. اگر چه چیزی به چاپ نرسانده‌ام. با شروع انقلاب تصمیم گرفتم که دیگر چیزی که «حدیث نفس» باشد، ننویسم و دیگر از خودم سخنی به میان نیاوردم «تو خود حجاب خودی حافظ از میان برخیز». سعی کردم که خودم را از میان بردارم تا هرچه هست خدا باشد و خدا را شکر بر این تصمیم وفادار مانده‌ام. البته آنچه انسان می‌نویسد، همیشه تراوشات درونی خود او است. همه هنرها این چنین‌اند. کسی هم که فیلم می‌سازد، اثر تراوشات درونی خود اوست، اما اگر انسان خود را در خدا فانی کند، آنگاه این خداست که در آثار ما جلوه‌گر می‌شود. حقیر این چنین ادعایی ندارم، اما سعی‌ام بر این بوده است.

با شروع کار جهاد سازندگی در سال ۵۸ به روستاها رفتیم که برای خدا بیل بزنیم. بعدها ضرورت‌های موجود، رفته رفته ما را به فیلم‌سازی برای جهاد سازندگی کشاند. در سال ۵۹ به تلویزیون آمدم و در گروه جهاد سازندگی سازمان، مشغول به کار شدیم. حقیر هیچ کاری را مستقلاً انجام نداده‌ام که بتوانم نام ببرم. در همه فیلم‌هایی که در گروه جهاد سازندگی ساخته شده است، سهم کوچکی نیز -اگر خدا قبول کند- به این حقیر می‌رسد و اگر خدا قبول نکند که هیچ. به هر تقدیر، من فعالیت تجاری نداشته‌ام. معمار (آرشیستیک) هستم. از سال ۵۸ و ۵۹ تاکنون بیش از یک صد فیلم ساخته‌ام. یک ترم نیز در دانشکده سینما تدریس کرده‌ام که از ادامه تدریس در دانشگاه صرف نظر کردم».

(سید مرتضی آوینی)

هویت فردی و اجتماعی چه نسبتی با هم دارند؟

سال گذشته، هویت فردی را با دو بخش جسمانی و نفسانی شناختیم و از سه بُعد متمایز هویت انسان به شرح زیر سخن گفتیم:

– بُعد جسمانی (بدن)

– بُعد نفسانی (نفس و ویژگی‌های روانی و اخلاقی)

– بُعد اجتماعی (نقش و عضویت فرد در جهان اجتماعی)

با یادآوری آنچه در سال گذشته خوانده‌اید، برای هر کدام از این ابعاد نمونه بیاورید.

می‌دانید که سه بُعد مذکور از یکدیگر جدا نیستند و با یکدیگر تعامل یا ارتباط دوسویه دارند و بر یکدیگر اثر می‌گذارند. بدن ما مجرای ارتباط ما با جهان طبیعی و بخشی از آن محسوب می‌شود. نقش و عضویت اجتماعی ما نیز مجرای ارتباط ما با جهان اجتماعی و بخشی از آن به حساب می‌آید. بدین ترتیب روابط میان ابعاد مختلف هویت در نمودارهای صفحه بعد خلاصه می‌شود. آیا می‌توانید بگویید هر کدام از مثال‌های زیر نشانگر کدام یک از این رابطه‌هاست؟

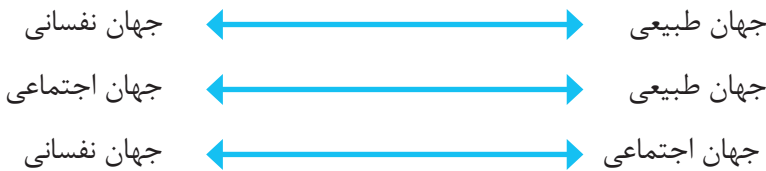


■ بانوی هنرمند با یک دست – بندر ترکمن

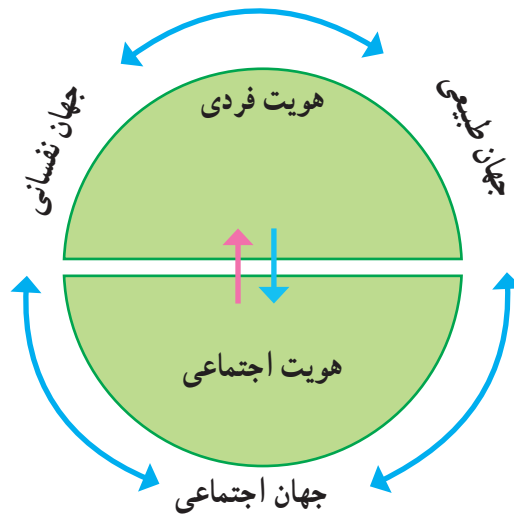
با توجه به تصویر روبه‌رو عکس،
نقاشی یا کاریکاتوری مناسب با این
قسمت تهیه نمایید.

- ترشح بیش از اندازه غده تیروئید موجب عصبانی شدن انسان می‌شود.
- برخی از بیماری‌های جسمانی با کمک قوای روانی درمان می‌شوند.^۱
- در شرایط اقلیمی متفاوت، شیوه زندگی اجتماعی مردم متفاوت است.
- زندگی اجتماعی انسان‌ها، طبیعت را تهدید می‌کند.
- «یک انسان با تقوا، جهانی را تغییر می‌دهد»^۲.
- جهان اجتماعی مانع شکوفایی برخی از اخلاقیات می‌شود.

۱- برای هر کاری که نیت و اراده آدمی در انجام آن قوی باشد، بدن دچار ضعف و ناتوانی نمی‌شود. امام صادق (ع)
۲- این جمله از امام خمینی (ره) است. ایشان خود از افرادی بودند که با تقوای خود توانستند مسیر تاریخ جامعه ایران، امت اسلام و بلکه جهان امروز بشریت را دگرگون سازند.



هر شش رابطه بالا را می توان در شکل زیر به صورت یک جا نشان داد.



تاکنون از تمایز ابعاد مختلف هویت و از تعامل آنها با یکدیگر سخن گفتیم، ولی پرسش این است که هویت فردی و اجتماعی چگونه با یکدیگر سازگار می شوند؟ آیا هر نوع هویت اجتماعی با هر نوع هویت فردی سازگار است؟

براساس آنچه در فصل اول خواندید، هویت هر جهان اجتماعی، براساس عقاید، آرمان ها و ارزش های کلان آن جهان اجتماعی شکل می گیرد و قواعد، هنجارها و نمادهای آن متناسب با عقاید، آرمان ها و ارزش ها سامان می یابند.

بنابراین:

هویت اجتماعی هر فرد، درون جهان اجتماعی و براساس عقاید و ارزش های آن شکل می گیرد. در جامعه قبیله ای، هویت اجتماعی افراد براساس جایگاه قبیله ای آنها مشخص می شود. در جامعه سرمایه داری هویت افراد بیشتر به ثروت و توان اقتصادی آنها وابسته است. در جامعه دینی هویت اجتماعی افراد براساس عقاید و ارزش هایی است که آن دین محترم می شمارد؛ مثلاً اسلام هویت افراد را با تقوا، علم و عدالت ارزیابی می کند.



■ هویت اجتماعی هر فرد، درون جهان اجتماعی و براساس عقاید و ارزش‌های آن شکل می‌گیرد.

هر جهان اجتماعی براساس هویت خود، با طبیعت و بدن آدمی تعامل می‌کند. نگاه دنیوی جهان متجدد و ارزش‌های آن به گونه‌ای است که هر دخل و تصرفی را در طبیعت مجاز می‌داند. انسان در این جهان هر نوع تصرفی را برای بهره‌برداری بیشتر از طبیعت انجام می‌دهد. در جهان معنوی اسلام، طبیعت به عنوان موجودی زنده، آیت و نشانه‌ی خداوند محسوب می‌شود. انسان در طبیعت، خلیفه‌ی خداوند است و خلیفه‌ی خداوند براساس خواست الهی وظیفه‌ی عمران و آبادانی آن را برعهده دارد؛ یعنی انسان حق ندارد تصرفاتی را که مخالف اراده‌ی حکیمانه‌ی الهی است، در جهان طبیعت و بدن خود انجام دهد.



■ طبیعت آیت و نشانه‌ی خداست و نباید به آن آسیب رساند.

هر جهان اجتماعی بنا به هویت خود، با نوع خاصی از هویت اخلاقی و روانی افراد سازگار است و زمینه‌ی پیدایش و رشد همان هویت را فراهم می‌آورد و امکان پیدایش و رشد انواع دیگر را تضعیف می‌کند. به‌عنوان مثال؛ جهان متجدد به تناسب رویکرد این جهانی خود، با آن دسته از

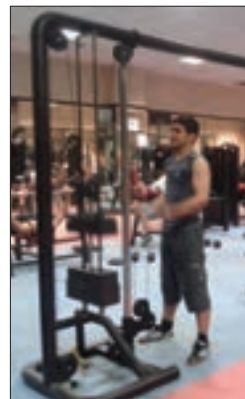
ویژگی های روانی و اخلاقی سازگار است که در ارتباط با آرمان ها و ارزش های دنیوی آن شکل گیرند، مانند فردگرایی، دم غنیمت شماری، انضباط، تبحر، تجمل گرایی، رفاه طلبی، مال اندوزی و ... و بسیاری از ویژگی های اخلاقی که براساس ارزش های معنوی و الهی وجود انسان شکل گرفته باشند؛ مانند قناعت، حیا، بندگی خدا، تقوا، خوف و رجای الهی، شکر و رضای الهی، توکل و ... سازگار نیست. همان گونه که هویت فرهنگی جهان متجدد با هویت روانی و اخلاقی معنوی ناسازگار است، هویت اخلاقی و الهی انسان نیز نمی تواند با هویت دنیوی جهان متجدد سازگاری داشته باشد.



■ شهید سعید طوقانی که در عملیات بدر موفق به کسب مدال جاویدان شهادت می شود.



■ پهن کردن سجاده بر روی تشک کشتی و به جا آوردن نماز شکر پس از قهرمانی از جمله مراسم آیینی کشتی قهرمانی است.



■ پرورش اندام

مقایسه کنید

با کمک دبیر خود، اخلاق ورزش کاران جهان اسلام (اخلاق پهلوانی) را با اخلاق ورزشی جهان جدید (اخلاق قهرمانی) مقایسه کنید و تناسب این دو نوع اخلاق را با ارزش های کلان اجتماعی بیان کنید.

خودآگاهی یا ناخودآگاهی؟



گفت چون سقراط در نزع اوفتاد^۱ بود شاگردیش، گفت ای اوستاد چون کفن سازیم تن پاکت کنیم در کدامین جای در خاکت کنیم گفت گر تو باز یابیم ای غلام دفن کن هر جا که خواهی والسلام من چو خود را زنده در عمری دراز پی نبردم، مرده کی یابی تو باز

عطار

۱- در حال جان کندن و مردن بود.

تحقیقات نشان می‌دهد کودکان خطاهای خود را موجه‌تر از خطاهای دیگران می‌دانند. خطاهای دیگران را عمدی و شایسته مجازات و خطاهای خود را غیرعمدی و بیشتر ناشی از شرایط و تحریک‌کننده‌های محیطی می‌دانند. محققان ابتدا این امر را ناشی از خودخواهی کودکان می‌دانستند، ولی تحقیقات نشان داد که کودکان درباره عوامل مؤثر بر رفتار خود، نسبت به دیگران اطلاعات بیشتری دارند. از این رو احتمال بیشتری وجود دارد که در توضیح علل رفتار خود؛ بیشتر بر شرایط محیطی تأکید کنند و خود را بی‌تقصیر بدانند. از آنجا که شناختشان از موقعیت دیگران کمتر است، در توضیح رفتار دیگران بر سهم خود آنها تأکید می‌کنند و آنها را مقصر می‌دانند. کودکان وقتی شناخت بیشتری درباره دیگران به دست می‌آورند، خطاهای آنها را نیز بیش از آنکه عمدی بدانند ناشی از سوء برداشت یا بی‌احتیاطی می‌دانستند. بنابراین هرچه شناخت کودکان از موقعیت خود و دیگران بیشتر می‌شود، قضاوت آنها تغییر می‌کند. پرسش اساسی این است که افراد چقدر خود و موقعیتشان را به درستی می‌شناسند؟

بخشی از هویت، آگاهانه است؛ یعنی آن را می‌شناسیم یا دیگران به آن پی می‌برند و برایمان بازگو می‌کنند. بخش دیگر، برای ما پنهان است و آن را نمی‌شناسیم. گاهی ما درباره ویژگی‌هایی از خود که به آن واقف نیستیم، تأمل می‌کنیم و درباره آنها می‌اندیشیم. گاهی برای شناخت خود، از دیگران کمک می‌گیریم و از والدین و دوستان خود درباره نقاط قوت و ضعف خویش سؤال می‌کنیم. نزد مشاوران، روان‌شناسان و روان‌کاوان می‌رویم و از آنها مشاوره می‌گیریم. جامعه‌شناسان و انسان‌شناسان نیز درباره ابعاد اجتماعی هویت انسان‌ها بحث می‌کنند و در این باره نظراتی ارائه می‌دهند. فیلسوفان نیز مباحث گسترده‌ای درباره هویت دارند. ما تردیدی نداریم که گاه، در شناخت ویژگی‌های هویتی خود و دیگران، دچار خطا و اشتباه می‌شویم. وجود نظریات متفاوت درباره هویت، نشانه این است که امکان خطا و اشتباه در شناخت هویت وجود دارد.

پیامبران و اولیای الهی نیز از دیرباز درباره ابعاد الهی و فطری هویت فردی و اجتماعی انسان و همچنین درباره غفلت و فراموشی انسان‌ها از خویشتن، سخن گفته‌اند.



■ سرگستگی انسان



■ ابعاد الهی و فطری هویت انسان در قرآن

گفت‌و‌گو کنید

دین و پیامبران الهی، فیلسوفان، روان‌شناسان، انسان‌شناسان و جامعه‌شناسان دربارهٔ غفلت و فراموشی انسان‌ها از هویت واقعی خود، نظریات متنوعی دارند. با راهنمایی دبیر خود دربارهٔ این نظریات گفت‌و‌گو کنید.

مفاهیم اساسی

خودآگاهی ،

.....

.....

.....

.....

.....

.....

خلاصه کنید

– هویت اجتماعی هر فرد درون جهان اجتماعی و براساس عقاید و ارزش‌های آن شکل می‌گیرد.

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

آنچه از این درس آموختیم

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....



بازتولید هویت اجتماعی

«چگونگی شکل‌گیری و تداوم هویت اجتماعی»

درس ۹

جامعه‌پذیری چه نقشی در بازتولید هویت اجتماعی دارد؟

در یک کندوی زنبور عسل چندین گروه زنبور وجود دارد. هر گروه به صورت غریزی وظایف خود را انجام می‌دهد. آیا انسان‌ها نیز به صورت غریزی فعالیت‌های گروهی و جمعی خود را انجام می‌دهند؟ انسان برخلاف موجودات دیگر، به صورت غریزی نمی‌داند چه موقعیتی در جهان اجتماعی دارد و در این موقعیت چه وظایفی برعهده‌اوست. انسان باید موقعیت خود را بشناسد، حقوق و تکالیف خود را یاد بگیرد و با عمل به آنها، هویت اجتماعی خود را شکل دهد.

به نظر شما، انسان‌ها چگونه به جایگاه اجتماعی خود پی‌می‌برند و هویت اجتماعی افراد چگونه شکل می‌گیرد؟

در انگلستان سالانه تعداد زیادی جوجه تیغی در بزرگراه‌ها و جاده‌های خارج از شهر، در اثر برخورد با اتومبیل‌ها کشته می‌شوند. این جوجه تیغی‌ها که در جاده‌ها رفت و آمد می‌کنند، مطابق غریزه، هنگام ترس، در خود جمع می‌شوند و به صورت یک گلوله تیغی در می‌آیند. این عمل در طبیعت مانع از آن می‌شود که جانوران خطرناک به جوجه تیغی‌ها صدمه بزنند؛ ولی اتومبیل‌ها بدون توجه، آنها را زیر چرخ‌های خود له می‌کنند و رد می‌شوند. جوجه تیغی‌ها می‌بینند که هموعانشان به این شکل از بین می‌روند؛ ولی قادر نیستند خود و دیگران را از خطر له شدن زیر چرخ‌های اتومبیل‌ها آگاه سازند. چرا؟

به نظر شما چه عاملی در زندگی انسان‌ها، این خلأ را پر می‌کند؟

هر فرد در یک جهان اجتماعی متولد می‌شود که به وسیلهٔ نسل‌های قبل از او ایجاد شده است. جهان اجتماعی پس از تولد هر فرد، بخشی از هویت اجتماعی او را تعیین می‌کند؛ یعنی آن فرد را به‌عنوان یکی از اعضای خود به رسمیت می‌شناسد و برای او ویژگی‌هایی متناسب با موقعیتی که در آن قرار گرفته است، در نظر می‌گیرد. در این زمینه می‌توان به صدور شناسنامه برای نوزادان اشاره کرد. آیا در مورد فرایند صدور شناسنامه برای نوزادان و نهادها و سازمان‌های مرتبط با آن چیزی می‌دانید؟

جهان اجتماعی برای بقا و تداوم، اعتقادات، ارزش‌ها و شیوهٔ زندگی خود را به فرد آموزش می‌دهد. فرد نیز برای مشارکت در جهان اجتماعی، شیوهٔ زندگی در آن را می‌آموزد و به تدریج با موقعیتش در جهان اجتماعی و حقوق و تکالیفی که برعهده دارد، آشنا می‌شود. فرد با آموزش‌های اساسی و ماندگاری که در خانواده می‌بیند، اولین و مهم‌ترین آشنایی‌ها را با جهانی که در آن متولد شده است، پیدا می‌کند. مدرسه، گروه‌های هم‌بازی، مجالس علمی و مذهبی و رسانه‌های جمعی، از دیگر عوامل آشنایی افراد با جهانی هستند که در آن زندگی می‌کنند. به فرایندی که هر فرد برای مشارکت در زندگی اجتماعی دنبال می‌کند و مسیری که برای شکل‌گیری هویت اجتماعی افراد طی می‌شود، جامعه‌پذیری می‌گویند.^۱

بخوانیم و بدانیم

گروه‌های شغلی یا حرفه‌ای، همواره یکی از گروه‌های اجتماعی مهم بوده‌اند. اعضای هر حرفه برای خود نوعی منشور اخلاقی داشته‌اند که دستورالعمل زندگی اعضای آن حرفه را نشان می‌دهد. در ایران «فتوت‌نامه‌ها» نوعی از این منشورهای شغلی بود. فتوت‌نامه عبارت بود از دستورالعمل‌هایی که اهل هر حرفه برای خود داشتند و به استناد آن، هم روابط میان اعضای حرفه و هم روابط میان حرفه و جامعه را تعیین می‌کردند. از جملهٔ آنها «فتوت‌نامهٔ بنّایان» بود که برخی از عبارت‌های آن به این شرح است: اگر پرسند که چند اصل است، بنّایی را، بگو که پنج اصل است. اول با طهارت بودن، دویم بر جادهٔ راستی بودن، سیم با حیا بودن و نظر از غیر برداشتن، چهارم کم سخن گفتن، پنجم به ادب بودن نزد بزرگان. اگر پرسند که چند حکم باشد بنّایی را، بگو که ده حکم است. از علم دین باخبر باشد، با سخاوت و خیر باشد، در کار خود استاد باشد و آنچه را که انجام دهد، چنان باشد که از برای خود نماید، با همه کس به خلق نیکو پیش آید، تنگ حوصله نباشد، فقیر دوست باشد و ...

برای آشنایی بیشتر با منشورهای شغلی، می‌توانید منشور اخلاقی پزشکان، معلمان و ... را مطالعه کنید.

۱- در این درس «جامعه‌پذیری» مترادف «فرهنگ‌پذیری» به کار رفته است. «جامعه‌پذیری» همان انتقال فرهنگ از نسلی به نسل دیگر است. البته از منظری می‌توان میان آنها فرق گذاشت، که در این درس بدان پرداخته نشده است.



■ جامعه‌پذیری رسمی و غیررسمی

پاسخ دهید

آیا جامعه‌پذیری در جوامع مختلف، شیوهٔ واحد و ثابتی دارد؟ توضیح دهید.



■ کنترل اجتماعی

کنترل اجتماعی چه نقشی در باز تولید هویت اجتماعی دارد؟

آیا فرایند جامعه‌پذیری همیشه به طور کامل انجام می‌گیرد و با موفقیت همراه است؟ آیا افراد می‌توانند از پذیرش عقاید، ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی سر باز زنند؟ برخی افراد به طور کامل جامعه‌پذیر نمی‌شوند؛ در آن صورت، جامعه برای استمرار و تداوم خود چه می‌کند؟

به نظر شما پدر و مادر صرفاً راه و بیراههٔ زندگی را به فرزندان خود می‌آموزند یا مراقبت می‌کنند تا فرزندان راه را ببینند و به بیراهه نروند؟ آیا اولیای مدرسه به یادآوری قواعد و مقررات مدرسه به دانش‌آموزان بسنده می‌کنند یا نظارت می‌کنند تا مقررات اجرا شود؟ در تمامی بخش‌های جهان اجتماعی، سازوکارهایی برای نظارت بر اعضا وجود دارد. عضویت در جهان اجتماعی، همواره با نظارت و کنترل اجتماعی همراه است و صرفاً به این توصیه بسنده نمی‌شود که:

تو خواه از سخنم، پندگیر خواه ملال

من آنچه شرط بلاغ است با تو می‌گویم

منظور از نظارت و کنترل اجتماعی چیست؟ کنترل اجتماعی چرا و چگونه صورت می‌گیرد؟

ممکن است برخی انسان‌ها هویتی را که جهان اجتماعی برای آنها در نظر گرفته است، نپذیرند. همواره افرادی هستند که جذب عقاید و ارزش‌های جهان اجتماعی خود نمی‌شوند و نقشی را که نهادها و سازمان‌های مختلف جامعه از آنها انتظار دارند، نمی‌پذیرند. این افراد به حقوق و تکالیف خود پایبند نیستند و رفتارهای مخالف انجام می‌دهند. به کنش‌هایی که برخلاف عقاید، ارزش‌ها و هنجارهای جامعه هستند، کژروی اجتماعی می‌گویند. آیا می‌توانید نمونه‌هایی از کژروی اجتماعی را نام ببرید؟



■ مسابقات کوراش - اینچئون کره جنوبی - ۲۰۱۳

هر جامعه‌ای علاوه بر جامعه‌پذیری، برای پیشگیری و کنترل کژروی‌های اجتماعی، روش‌های زیر را به کار می‌گیرد.

- تبلیغ و اقناع: هر جهان اجتماعی می‌کوشد تا از طریق آموزش، عقاید و ارزش‌های خود را به گونه‌ای ترویج کند که افراد برای پذیرش آنها قانع شوند.

- تشویق و پاداش: هر جهان اجتماعی، افرادی را که مطابق ارزش‌ها و قواعدش عمل کنند، تشویق می‌کند و به آنها پاداش می‌دهد.

- تنبیه و مجازات: هر جهان اجتماعی، کسانی را که دچار کژروی اجتماعی شده باشند، تنبیه و مجازات می‌کند.

اقناع روشی است که به واسطه آن، فرهنگ در افراد درونی می‌شود. هرچه قدرت اقناع یک فرهنگ بیشتر باشد، افراد کنش‌ها و اعمال متناسب با آن فرهنگ را بهتر انجام می‌دهند. فرهنگ‌هایی که ظرفیت منطقی و عقلانی بیشتری دارند و با فطرت آدمیان سازگارترند، از قدرت اقناعی بیشتری برخوردارند.

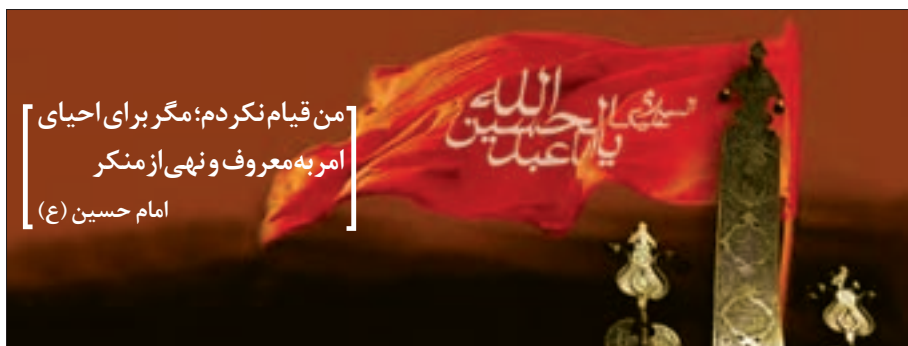
تشویق و تنبیه به دو شیوه رسمی و غیررسمی انجام می‌شود. شیوه غیررسمی آن بیشتر در

خانواده، همسالان یا به وسیلهٔ عموم افراد جامعه انجام می‌شود و آثار و نتایج عمیق‌تری دارد. شیوهٔ رسمی پاداش و مجازات، بیشتر توسط سازمان‌ها و مؤسسات اجتماعی مانند ادارات، پلیس، دادگاه و زندان صورت می‌گیرد. به مجموعه فعالیت‌هایی که برای پذیرش فرهنگ جامعه و انطباق افراد با انتظارات جامعه انجام می‌گیرد، کنترل اجتماعی می‌گویند.

بخوانیم و بدانیم

شاید این پرسش برای شما مطرح شود که کدام یک از روش‌های کنترل اجتماعی مناسب‌ترند؟ بدون شک، هر کدام از این روش‌ها مزایا و معایبی دارند و ممکن است در عمل با موفقیت یا شکست مواجه شوند. تحقیقات مختلف دربارهٔ چگونگی استفاده از این روش‌ها در خانواده‌ها نشان می‌دهد، والدینی موفق‌ترند که متناسب با رفتار خوب و بد فرزندان خود، به درستی از این روش‌ها استفاده می‌کنند.

هر جهان اجتماعی که روش‌های مناسبی برای کنترل اجتماعی نداشته باشد، در معرض آسیب‌های بیشتری قرار می‌گیرد؛ باز تولیدش با مشکل مواجه می‌شود و دوام و بقای آن تهدید می‌شود.



در جهان اسلام، امر به معروف و نهی از منکر در فرایندهای جامعه‌پذیری و کنترل اجتماعی نقش مهمی دارد و دارای آثار فردی و اجتماعی و نتایج معنوی و دنیوی بسیاری است. امر به معروف و نهی از منکر روش‌های مختلفی دارد. برخی روش‌های آن تبلیغی و برخی تشویقی یا تنبیهی است. امر به معروف و نهی از منکر سطوح متفاوتی نیز دارد. در مواردی، همگانی و به عهدهٔ همهٔ افراد جامعه است و در برخی موارد، وظیفهٔ سازمان‌های رسمی و حکومتی است. به نظر شما امر به معروف و نهی از منکر در چه مواقعی مسئولیتی همگانی و در چه مواقعی وظیفهٔ نهادها و سازمان‌های رسمی است؟

در صدر اسلام مسلمانان هنگام احوالپرسی و خداحافظی، سورهٔ عصر را تلاوت می‌کردند. ابتدا یکی از افراد، بخشی از سوره را می‌خواند و فرد مقابل، آن را به پایان می‌رساند.

به نام خداوند بخشندهٔ مهربان

قسم به عصر. که آدمی به راستی در زیان است. مگر آنان که ایمان آورند و عمل صالح انجام دهند و یکدیگر را به رعایت حق سفارش کنند و یکدیگر را به استقامت و شکیبایی سفارش کنند.

گفت‌وگو کنید

- جامعه برای حفظ سلامت عمومی به پزشکان نیازمند است. تحصیل در رشتهٔ پزشکی، کاری دشوار است. به نظر شما در جامعه برای جذب افراد به رشتهٔ پزشکی چه کارهایی انجام می‌شود؟
- برخی پزشکان ممکن است برخلاف هنجارهای پذیرفته شده عمل کنند. برخی کژروی‌های پزشکی را نام ببرید و راه‌ها و شیوه‌های پیشگیری و کنترل آن را بیان کنید.

مفاهیم اساسی

تداوم هویت اجتماعی ،

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

خلاصه کنید

- بازتولید هویت اجتماعی از طریق جامعه‌پذیری و کنترل اجتماعی انجام می‌شود.

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

آنچه از این درس آموختیم

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....



تغییرات هویت اجتماعی

درس ۱۰

«فرصت‌ها و محدودیت‌های تغییرات هویتی در جهان اجتماعی»

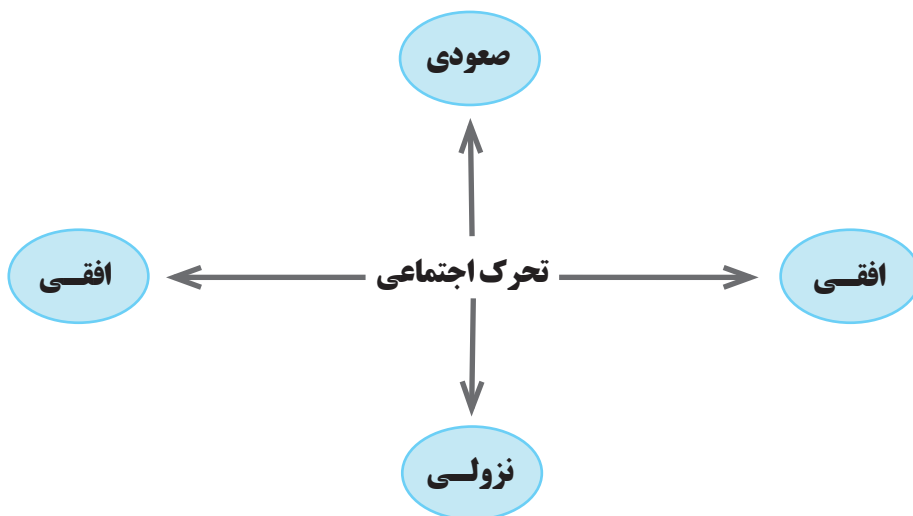
تحرک اجتماعی چیست؟

منظور از موقعیت اجتماعی، جایگاهی است که فرد در جامعه یا در یک گروه اجتماعی دارد. ما با شناخت موقعیت اجتماعی فرد، دربارهٔ او اطلاعاتی به دست می‌آوریم؛ مانند اینکه با چه کسانی در ارتباط است؛ چه انتظاراتی باید از او داشته باشیم؛ چگونه باید با او رفتار کنیم و... کسب هویت‌های اجتماعی جدید، با تغییراتی در موقعیت اجتماعی افراد همراه است. این تغییرات موقعیتی چه انواعی می‌تواند داشته باشد؟

دانش‌آموزی دربارهٔ این موضوع که «در آینده می‌خواهید چه کاره شوید؟» نوشته بود: «داشتم فکر می‌کردم، دوست دارم یک مامان خوب و مهربون بشم، شاید بخوام یک خانم دکتر یا یک خانم معلم بشم، شاید هم یک خانم خانه‌دار، راستی دندانپزشک هم خوبه، مددکار هم همین‌طور و... پیش خودم فکر کردم هر کاره‌ای که بشم، مهم اینه که فردی مفید برای خودم و جامعه‌ام باشم تا پدر و مادرم به وجودم افتخار کنند. به قول مادرم بچه‌ها باقیات الصالحات پدر و مادر و معلمشونن! چه بسا من هم باقیات الصالحات آنها شدم. خدا را چه دیدی!»

موضوع «در آینده می‌خواهید چه کاره شوید؟» چه اهمیتی دارد که برخی معلمان نگرارش، اصرار دارند دانش‌آموزان دربارهٔ آن مطلب بنویسند؟ آیا منظور، صرفاً پرسش از شغل آینده آنهاست؟ شما چه برداشتی از این پرسش دارید و چگونه به آن پاسخ می‌دهید؟

افراد در بدو تولد، هویت اجتماعی انتسابی خود را به صورت انفعالی در محیط خانواده و... می‌پذیرند. با گذر زمان، آنها به گونه‌ای فعال، با محیط اجتماعی خود برخورد می‌کنند؛ هویت اکتسابی خود را به دست می‌آورند و متناسب با این هویت اجتماعی جدید، از موقعیت اجتماعی جدیدی برخوردار می‌شوند. جابه‌جایی افراد از یک موقعیت اجتماعی به موقعیت اجتماعی دیگر را تحرک اجتماعی می‌گویند. تحرک اجتماعی انواعی دارد: صعودی، نزولی و افقی.



کارمند یک اداره، هنگامی که مدیر بخشی از اداره می‌شود یا مدیر یک بخش، هنگامی که مدیر کل می‌شود، تحرک اجتماعی صعودی پیدا کرده است. مدیر اداره هنگامی که از مدیریت عزل می‌شود و به صورت کارمند عادی به کار خود ادامه می‌دهد، تحرک اجتماعی نزولی دارد. شخصی شغل خود را تغییر می‌دهد، در صورتی که شغل جدید، موقعیت اجتماعی او را تغییر ندهد، تحرک اجتماعی افقی دارد. مانند کارمندی که از یک بخش اداره به بخش دیگر منتقل می‌شود.

آیا می‌توانید برای هر یک از انواع تحرک اجتماعی نمونه‌های دیگری مثال بزنید؟

در همه کشورهای رده‌بندی مشاغل وجود دارد ولی رده‌بندی در کشورهای مختلف یکسان نیست. برخی مشاغل در بعضی کشورها از اهمیت بیشتری برخوردارند و بالعکس. باید به یاد داشته باشیم که موقعیت اجتماعی افراد صرفاً تابع مشاغل آنها نیست؛ بلکه به عوامل دیگری مانند علم، ایمان، تقوا، هنر، احترام و... نیز بستگی دارد. آیا می‌توانید به ملاک‌های دیگری

اشاره کنید؟

مسدود بودن راه ارتقا و تحرک اجتماعی صعودی را انسداد اجتماعی می‌گویند. باز بودن راه تحرک اجتماعی به معنای امکان دسترسی افراد محروم و کمتر برخوردار جامعه، به موقعیت‌های اجتماعی بالاتر است. انسداد اجتماعی بیشتر در جوامعی وجود دارد که موقعیت اجتماعی افراد براساس ویژگی‌های انتسابی مانند وراثت، نژاد و ... تعیین می‌شود؛ ولی در بسیاری از جوامع که مبتنی بر ویژگی‌های اکتسابی هستند، نیز شرایط به گونه‌ای است که در عمل، راه تحرک اجتماعی بر محرومان جامعه بسته می‌شود. مثلاً در جوامعی که رده‌بندی موقعیت‌های اجتماعی بر اساس سرمایه اقتصادی است، محرومان با انسداد اجتماعی مواجه‌اند.

نمونه بیاورید

تحرک اجتماعی گاه درون یک نسل (یک فرد در طول زندگی خودش) و گاه در دو نسل (یک فرد نسبت به والدینش) اتفاق می‌افتد. نمونه‌هایی از تحرک اجتماعی درون نسلی و میان نسلی را بیان کنید.

فرصت‌ها و محدودیت‌های تغییرات هویتی کدام‌اند؟

دانستید اعضای جهان اجتماعی ابتدا با هویت انتسابی خود آشنا می‌شوند و به تدریج با فعالیتشان، موقعیت و هویت اکتسابی خود را به دست می‌آورند. آیا اعضای جهان اجتماعی می‌توانند هر نوع هویت اجتماعی را کسب کنند؟

در جوامع فنودالی غربی، موقعیت اجتماعی افراد به رابطه آنها با زمین بستگی داشت. برخی ارباب و گروهی رعیت بودند. در این جوامع، طبقه‌ای از مردم عادی هم وجود داشت که نه اشراف بودند و نه رعیت. به همین دلیل از آنها به طبقه سوم یاد می‌شد که شامل صراف، بنا، کفاش و ... بود. این طبقه هویت منفی و پست داشت و از نظر قانونی و اجتماعی از هیچ اهمیت و اعتباری برخوردار نبود؛ ولی به علت فواید و کارکردهایی که داشت، تحمل می‌شد. یکی از نویسندگان می‌پرسد که «طبقه سوم چیست؟» و پاسخ می‌دهد «چیزی نیست؛ اما می‌خواهد چیزی بشود.» این طبقه همان طبقه متوسط بود که جهت کسب اعتبار برای خودش، به ارزیابی گروه‌های دیگر براساس مفید بودن یا نبودن آنها پرداخت و با ارزیابی اشراف با معیار فایده‌مندی آنها را بی‌اعتبار ساخت؛ زیرا خود را تولیدکننده و مفید، و اشراف را مصرف‌کننده و سربار جامعه معرفی می‌کرد. پذیرش این معیار توسط عموم مردم، به پیدایش فرهنگ فایده‌گرایی منجر شد که همه انسان‌ها را صرفاً براساس همین ملاک ارزیابی می‌کرد. این روند به شکل‌گیری جوامعی انجامید که در آنها وضعیت اقتصادی افراد، موقعیت اجتماعی آنها را معین می‌کرد و سایر ویژگی‌های هویتی به آن وابسته می‌شد.

هر جامعه‌ای، برخی هویت‌ها را می‌پذیرد و برخی را منع می‌کند. آیا می‌توانید مواردی را مثال بزنید؟



■ تصویر مربوط به ۱۴۰ سال پیش هم‌زمان با حضور انگلیس در ایران - بندرعباس

در جهان‌های اجتماعی مختلف، فرصت‌های پیش روی افراد برای تحرک اجتماعی و کسب هویت‌های جدید، متفاوت است. هر جامعه‌ای به تناسب عقاید و ارزش‌هایی که دارد، برخی تغییرات هویتی و تحرک‌های اجتماعی را تشویق و برخی دیگر را منع می‌کند. مثلاً جامعه‌ای که براساس ارزش‌های نژادی شکل می‌گیرد، صرفاً برای یک نژاد خاص، امکان تحرک اجتماعی صعودی را فراهم می‌آورد. دربارهٔ جامعهٔ آپارتاید (جدانژادی) چه می‌دانید؟ جامعه‌ای که قواعد و روابط آن براساس ارزش‌های اقتصادی است، تحرک اجتماعی صعودی را تنها برای کسانی ممکن می‌سازد که منابع ثروت را در اختیار دارند. جهانی که حول ارزش‌های دنیوی و این جهانی شکل می‌گیرد، تحرک اجتماعی را در محدودهٔ همان ارزش‌ها به رسمیت می‌شناسد.

در یک جهان سکولار، هویت دینی و معنوی افراد نمی‌تواند بروز و ظهور اجتماعی داشته باشد. در این جهان فعالیت‌هایی که هویت دینی افراد را آشکار کند، منع می‌شوند. برای نمونه، می‌توان به جلوگیری از تحصیل دختران محجبه در برخی جوامع غربی اشاره کرد.

در جوامع سکولار و دنیوی، امکان رأی دادن به قوانین الهی وجود ندارد. اکثریت مردم الجزایر در سال ۱۹۹۱ میلادی به حاکمیت اسلامی رأی دادند، اما کودتای نظامی مانع از اجرای نتایج انتخابات شد. رئیس‌جمهور وقت آمریکا در دفاع از این کودتا گفت که مردم الجزایر نیاز به دموکراسی کنترل شده دارند. از گفتهٔ رئیس‌جمهور آمریکا چه می‌فهمید؟



■ تصویر نمایش سیاهان افریقایی در باغ وحش نیویورک



■ اعتراضات مردمی در الجزایر

در یک جهان دینی و معنوی نیز، هویت‌هایی که ابعاد متعالی و الهی انسان را نفی کنند، به رسمیت شناخته نمی‌شوند.

بخوانیم و بدانیم

در جهان اسلام برخی مشاغل مانند رباخواری و ... حرام‌اند و انسان مسلمان نباید به آنها نزدیک شود. برخی مشاغل نیز با اینکه حرام نیستند، ولی از مسلمانان خواسته شده آنها را نپذیرند. این مشاغل مکروه‌اند مانند دلّالی. در مقابل، این جهان بعضی مشاغل و حرفه‌ها را تشویق و افراد را برای اشتغال به آنها ترغیب می‌کند. این دسته مشاغل مستحب‌اند؛ مانند زراعت. انسان باید مراقب عواملی باشد که در تربیت و هویت‌یابی او مؤثرند. شغل فرد، یکی از عوامل تأثیرگذار است. اساس منع و ترغیب اسلام نسبت به مشاغل و حرفه‌ها، آثار مخرب یا سازنده این حرفه‌ها بر تربیت و هویت انسان‌هاست. اسلام، برخی شغل‌ها را تحسین می‌کند؛ زیرا انسان‌سازند و برخی حرفه‌ها را مذمت می‌کند؛ زیرا مخرب انسان‌اند. اسلام، تربیت انسان‌های متعالی را هدف آفرینش می‌داند و برای تحقق آن، مراقبت‌های ویژه‌ای را اعمال می‌کند.

اگر تغییرات هویتی مطابق عقاید و ارزش‌های جامعه نباشد و فراتر از فرصت‌هایی باشد که در یک جهان اجتماعی وجود دارد، چه اتفاقی رخ می‌دهد؟ مادامی که هویت اجتماعی افراد در چارچوب عقاید و ارزش‌های اساسی جامعه شکل می‌گیرد، تغییرات هویتی افراد و گروه‌ها با هویت جهان اجتماعی سازگار است و مورد تشویق و تأیید جامعه نیز قرار می‌گیرد. فردی که با تلاش و پشتکار خود، در یکی از عرصه‌های اجتماعی دست به نوآوری می‌زند و از این طریق، موقعیت اجتماعی خود و بخشی از افراد جامعه را ارتقا می‌بخشد، مورد تأیید جامعه واقع می‌شود.



■ ایران در زمره ده کشور برتر دنیا در عرصه نانو



■ تحقیقات در پژوهشگاه رویان

تغییرات هویتی افراد، گاه از مرزهای مورد قبول جهان اجتماعی فراتر می‌رود. اگر تغییرات هویتی بیرون از مرزهای مقبول جهان اجتماعی رخ دهد و شیوه‌هایی از زندگی را که با عقاید و ارزش‌ها در تقابل هستند به دنبال بیاورد، به تعارض فرهنگی منجر می‌شود که اضطراب و نگرانی‌های اجتماعی فراوانی به همراه دارد.

تعارض فرهنگی، گاهی ناشی از علل درونی است و به نوآوری‌ها و فعالیت‌های اعضای جهان اجتماعی باز می‌گردد و گاه، ناشی از علل بیرونی است و پیامد تأثیرپذیری از جهان‌های اجتماعی دیگر است.

استدلال کنید

آیا هر نوع ابداع و نوآوری یا هر نوع مواجهه با جهان‌های اجتماعی دیگر، به تعارضات فرهنگی منجر می‌شود؟ برای هر مورد نمونه‌هایی ذکر کنید.

مفاهیم اساسی

تعارض فرهنگی ،

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

خلاصه کنید

– جهان‌های اجتماعی برخی تغییرات هویتی را تشویق و برخی را منع می‌کنند.

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

آنچه از این درس آموختیم

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....



تحولات هویتی جهان اجتماعی

درس ۱۱

« علل درونی »

هویت جهان اجتماعی چیست؟

دانستید هویت اجتماعی افراد، محصول عضویت گروهی آنهاست؛ مانند اینکه شهری، روستایی و عشایری بودن شما نتیجه عضویت در یک شهر، روستا یا ایل است. جهان اجتماعی نیز هویت خاصی دارد. منظور از هویت جهان اجتماعی چیست و چه تفاوتی با هویت اجتماعی افراد دارد؟

«دانش آموز بودن»، یکی از ویژگی‌های هویت اجتماعی شماست. دانش‌آموز بودن محصول عضویت شما در یک مدرسه است، ولی خود مدرسه نیز دارای هویت خاصی است. مدرسه با پذیرفتن عقاید، ارزش‌ها، هنجارها و نمادهای نهاد تعلیم و تربیت، به رسمیت شناخته می‌شود. نهاد تعلیم و تربیت نیز یکی از نهادهای جهان اجتماعی است و هویت خود را از جهان اجتماعی کسب می‌کند. جهان اجتماعی نیز هویتی دارد که از آن به «هویت فرهنگی جهان اجتماعی» یاد می‌شود. هویت فرهنگی جهان اجتماعی چیست؟

هویت فرهنگی جهان اجتماعی براساس عقاید و ارزش‌های اجتماعی آن شکل می‌گیرد. این هویت هنگامی محقق می‌شود که در میان مردم، عقاید و ارزش‌های مشترکی پدید آید. یعنی هرگاه نوعی از عقاید و ارزش‌ها از سوی افراد پذیرفته و به رسمیت شناخته شود، هویت فرهنگی جهان اجتماعی پدید می‌آید.

هویت فرهنگی جهان اجتماعی، پدیده‌ای گسترده‌تر از هویت اجتماعی افراد است. هویت اجتماعی افراد در پرتو هویت فرهنگی جهان اجتماعی شکل می‌گیرد. هویت فرهنگی جهان اجتماعی، فرصت شکل‌گیری هویت‌های اجتماعی خانوادگی، شغلی و... متناسب با خود را پدید می‌آورد و در برابر انواع هویت‌های اجتماعی که با عقاید و ارزش‌های آن ناسازگار است، مقاومت می‌کند. هویت فرهنگی تا زمانی که عقاید و ارزش‌های مربوط به آن مورد پذیرش اعضای جهان اجتماعی و برای آنها مهم باشد، دوام می‌آورد. هرگاه عقاید و ارزش‌ها اهمیت و اعتبار خود را نزد اعضای جهان اجتماعی از دست بدهند، دوام هویت فرهنگی با چالش‌هایی مواجه می‌شود.



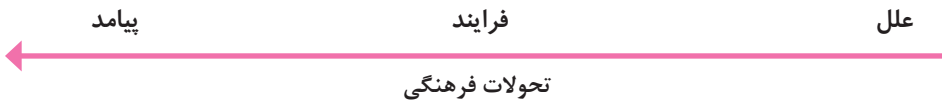
تأمل کنید

هویت فرهنگی جهان اجتماعی چه رابطه‌ای با هویت اجتماعی افراد دارد؟ آیا این دو می‌توانند مستقل از یکدیگر وجود داشته باشند؟ برای پاسخ، از نمونه زیر کمک بگیرید. هر خانواده، یک گروه اجتماعی است. هویت خانوادگی ما، بخشی از هویت اجتماعی ما و نتیجه عضویت در یک خانواده است. در هر جهان اجتماعی به هر شکل از زندگی خانواده نمی‌گویند، بلکه تنها شکلی از زندگی که براساس عقاید، ارزش‌ها و هنجارهای نهاد خانواده باشد، پذیرفته می‌شود. در مقابل، نهاد خانواده نیز تا زمانی دوام می‌آورد که گروه‌های خانوادگی، عقاید، ارزش‌ها، هنجارها و نمادهای آن را بپذیرند و براساس آن عمل کنند. اکنون شما درباره رابطه میان جهان اجتماعی و نهادهای آن فکر کنید. هویت خانوادگی افراد ↔ خانواده‌ها ↔ نهاد خانواده ↔ هویت فرهنگی جهان اجتماعی

فرایند تحولات هویتی جهان اجتماعی چگونه است؟

در فصل اول با دو نوع تغییر در جهان اجتماعی آشنا شدید. آیا آنها را به یاد می‌آورید؟ برخی تغییرات از نوع تغییراتی است که درون یک جهان اجتماعی رخ می‌دهد ولی برخی تغییرات، یک جهان اجتماعی را به جهان اجتماعی دیگری تبدیل می‌کند. به این گونه تغییرات اساسی در جهان اجتماعی که هویت جهان اجتماعی را متحول می‌کند، تحول فرهنگی می‌گویند. به نظر شما جهان اجتماعی چگونه دچار تحولات فرهنگی می‌شود؟

آثار منفی و مثبت بیماری (آثار جسمی، روحی و اجتماعی) بر انسان را در نظر بگیرید. آیا هر بیماری یا عامل بیماری‌زا در بدن انسان به مرگ او می‌انجامد؟ آیا آن دسته از بیماری‌ها که به مرگ می‌انجامند، به صورت ناگهانی پیش می‌آیند یا معمولاً در طول زمان اتفاق می‌افتند و مسیری نسبتاً طولانی را می‌پیمایند؟ آیا این مسیر قطعی است یا در مواردی برگشت‌پذیر یا حداقل قابل کنترل است؟ در جهان اجتماعی، وضعیت چگونه است؟ آیا هر تعارض فرهنگی به تحول هویت فرهنگی جهان اجتماعی می‌انجامد؟



گاهی تعارض فرهنگی یا همان شیوه زندگی ناسازگار با عقاید و ارزش‌های یک جهان اجتماعی تداوم می‌یابد و جهان اجتماعی نمی‌تواند کنش‌های اجتماعی را براساس فرهنگ خود سامان دهد. این وضعیت می‌تواند به «تزلزل فرهنگی» منجر شود.

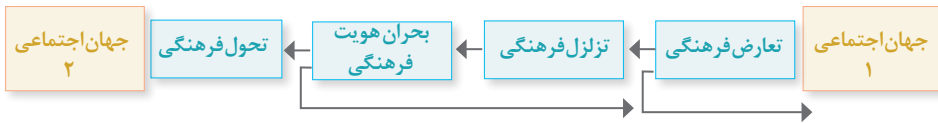
تزلزل فرهنگی هنگامی رخ می‌دهد که عقاید، آرمان‌ها و ارزش‌هایی که هویت فرهنگی جهان اجتماعی را می‌سازند، مورد تردید قرار گیرند و ثبات و استقرار خود را در زندگی مردم از دست بدهند. به عبارت دیگر، ناسازگاری اغلب از سطح رفتارها و هنجارها آغاز می‌شود و به سطوح عمیق‌تر یعنی عقاید و ارزش‌ها می‌رسد.

تزلزل فرهنگی می‌تواند به «بحران هویت» منجر شود. بحران هویت فرهنگی در جایی به وجود می‌آید که جهان اجتماعی، توان حفظ و دفاع از عقاید و ارزش‌های اجتماعی خود را نداشته باشد.

اگر در یک جهان اجتماعی بحران هویت پدید آید، راه برای دگرگونی هویت فرهنگی آن جهان اجتماعی باز می‌شود. در آن صورت تغییرات اجتماعی از محدوده تغییرات درون جهان اجتماعی فراتر می‌روند و به صورت تحولات فرهنگی در می‌آیند و جهان اجتماعی به جهان اجتماعی دیگری تبدیل می‌شود.

تحولات فرهنگی می‌تواند مثبت یا منفی باشد. آیا راهی برای تشخیص و ارزیابی این گونه تحولات وجود دارد؟

اگر فرهنگی که گرفتار تزلزل، بحران و تحول می‌شود، فرهنگی باطل باشد و جهت تغییرات به سوی فرهنگ حق باشد، تحول فرهنگی مثبت است؛ اما اگر فرهنگی که اعتبار اجتماعی خود را از دست می‌دهد، فرهنگ حق باشد و جهت تغییرات به سوی فرهنگ باطل باشد، تحول فرهنگی منفی است. تحول جامعه جاهلی به جامعه نبوی، تحول فرهنگی مثبت و تحول جامعه نبوی به جامعه اموی، تحول فرهنگی منفی است.



■ کاخ شاه - سعدآباد



■ منزل امام خمینی (ره) - جماران

با فرایند تحولات فرهنگی آشنا شدید. آیا می‌دانید که چرا این تحولات رخ می‌دهند و علل آن کدام‌اند؟

علل تحولات فرهنگی به دو دسته درونی و بیرونی تقسیم می‌شوند. در این درس، از علل درونی تحولات فرهنگی سخن می‌گوییم.

علل درونی یا به ابداعات و نوآوری‌های مثبت و منفی افراد و اعضای جهان اجتماعی مربوط می‌شود که در درس قبل از آن سخن گفتیم، یا به کاستی‌ها و بن‌بست‌های موجود در هویت فرهنگی جهان اجتماعی باز می‌گردد. اگر یک جهان اجتماعی با کاستی‌ها و بن‌بست‌های درونی

مواجه شود، گرفتار کهولت و مرگ می‌شود. مرگ یک جهان اجتماعی هنگامی رخ می‌دهد که با وجود به کارگیری تمامی ظرفیت‌های خود، از پاسخ‌گویی به نیازهای طبیعی و جسمانی یا فطری و معنوی انسان‌ها باز می‌ماند. دربارهٔ جهان‌های اجتماعی که فرهنگ دنیاگریز دارند، چه می‌دانید؟ جهان اجتماعی که متناسب با نیازهای معنوی و روحی افراد عمل نکند، به پرسش‌های آنها



■ خلأ معنوی

دربارهٔ معنای زندگی و مرگ پاسخ ندهد، از این پرسش‌ها غفلت کند یا به پوچ‌انگاری برسد؛ نشاط زندگی را از دست می‌دهد و با انواع مختلف آسیب‌ها مانند یأس، ناامیدی و خودکشی افراد روبه‌رو می‌شود.

کاستی و خلأ معنوی، دانشمندان و متفکران اجتماعی را به بازاندیشی دربارهٔ بنیان‌های عقیدتی و ارزشی جهان اجتماعی فرا می‌خواند و آنها را برای عبور از مرزهای هویت فرهنگی آن تشویق می‌کند.

بخوانیم و بدانیم

قبلاً دربارهٔ جهان اجتماعی متجدّد یا جهان مدرن و فرصت‌ها و محدودیت‌هایی که این جهان برای انسان ایجاد می‌کند، سخن گفتیم. طی قرن بیستم، متفکران جهان غرب آثار متعددی دربارهٔ بحران‌های هویتی این جهان نوشته‌اند و از شکل‌گیری دوران بعد از تجدّد یا پسامدرن سخن گفته‌اند. بسیاری از متفکران، شکل‌گیری دوران پسامدرن را تحول هویت جهان متجدّد می‌دانند و برخی آن را تغییری می‌دانند که درون این جهان اتفاق افتاده و پذیرفته شده است.

تحلیل کنید

با هویت اجتماعی افراد و هویت فرهنگی جهان اجتماعی آشنا شدید. آیا هر نوع بحران هویت اجتماعی، به بحران هویت فرهنگی منجر می‌شود؟ در چه صورتی بحران هویت در سطح افراد، به بحران هویت در سطح جهان اجتماعی می‌انجامد؟ مثلاً ممکن است در ایران برخی افراد یا خانواده‌ها دچار بحران هویت باشند؛ ولی نهاد خانواده دچار بحران هویت نباشد. در چه صورتی بحران هویت افراد و خانواده‌ها به بحران هویت در نهاد خانواده منجر می‌شود؟ این تحلیل را می‌توان دربارهٔ گروه‌های دیگر اجتماعی مانند گروه‌های تحصیلی، شغلی، ورزشی و... نیز به کار گرفت.



تحولات هویتی جهان اجتماعی

درس ۱۲

«علل بیرونی»

ارتباط جهان‌های اجتماعی در چه صورتی به تحولات فرهنگی منجر می‌شود؟

ارتباط و دادوستد جهان‌های اجتماعی مختلف با یکدیگر عادی و متداول است، ولی این ارتباط می‌تواند شکل‌های مختلفی داشته باشد. چه شکلی از ارتباط به گسترش و پیشرفت یک جهان اجتماعی منجر می‌شود و چه شکلی از آن، تحولات فرهنگی را به دنبال می‌آورد؟

«صرفه‌جویی، مصرف نکردن نیست، بلکه درست مصرف کردن است». این جمله را همه ما بارها شنیده‌ایم. خسیس و ولخرج در ظاهر متضاد یکدیگرند. ولی اگر دقیق‌تر نگاه کنیم، آنها در یک نقطه مهم اشتراک دارند و آن هم علاقه شدید هر دو به پول و مهم بودن پول برای آنهاست. پول برای هر دو، به جای اینکه یک وسیله زندگی باشد، به هدف زندگی تبدیل شده است. ولخرج مهم بودن پول را با خرج کردن زیاد آن نشان می‌دهد و خسیس با خرج نکردن و انباشتن آن. شیوه زندگی خسیس و ولخرج دو شکل اشتباه مصرف است. مسئله، درست مصرف کردن است نه مصرف کردن یا مصرف نکردن! و البته باید دید در هر موقعیتی، مصرف درست چگونه است. ارتباط جهان‌های اجتماعی با یکدیگر نیز پذیرفته است و پرسش اساسی، نه در اصل ارتباط، بلکه در چگونگی آن است. به نظر شما شکل‌های صحیح و مفید یا غلط و مضر ارتباط جهان‌های اجتماعی کدام‌اند؟

روابط جهان‌های اجتماعی با یکدیگر می‌تواند شکل‌های متفاوتی داشته باشد که هر کدام از آنها آثار هویتی متفاوت به دنبال می‌آورد. این روابط گاهی در محدودهٔ هنجارها و نمادها یا در شیوه‌های زندگی است و گاهی در سطح عقاید، آرمان‌ها و ارزش‌های اجتماعی است. اگر جهان اجتماعی با حفظ عقاید، آرمان‌ها و ارزش‌های خود، با جهان‌های اجتماعی دیگر تعامل و داد و ستد داشته باشد و در محدودهٔ هنجارها و شیوهٔ زندگی، عناصری را از جهان اجتماعی دیگر بگیرد و در صورت لزوم، تغییرات لازم را در آنها پدید آورد، زمینهٔ گسترش و پیشرفت خود را فراهم می‌آورد.

جهان اسلام در سده‌های نخستینِ رویارویی با جهان‌های اجتماعی دیگر، با حفظ هویت فرهنگی خود به تعامل با آنها پرداخت و به همین دلیل، عناصر سازگار با هویت خود را از آنها گرفت و در موارد مورد نیاز، به بازسازی آن عناصر پرداخت.

به دلیل اهمیتی که اسلام برای عقل و عقلانیت قائل است، جهان اسلام در مواجهه با فرهنگ یونان و روم، تنها عناصر عقلی این دو فرهنگ را اخذ کرد و به تناسب جهان‌شناسی توحیدی خود در دانش‌های مختلف آنها دخل و تصرف کرد و عناصر اساطیری و مشرکانهٔ آنها را نپذیرفت.

اگر جهان اجتماعی در تعامل با جهان‌های دیگر، بر عقاید و ارزش‌های خود پافشاری نکند، دادوستد فرهنگی به لایه‌های عمیق آن سرایت می‌کند و در صورتی که به مرور زمان، به عقاید و آرمان‌های خود پشت کند، دچار تحولات هویتی می‌شود. جهان اجتماعی‌ای که در مسیر تحولات هویتی، ارزش‌ها و عقاید جهان اجتماعی دیگری را قبول کند، به آن ملحق می‌شود. جهان اسلام در رویارویی با فرهنگ‌های دیگر، زمینهٔ تحولات هویتی آنها را پدید آورد. بسیاری از فرهنگ‌ها همانند مصر و ایران و ... در تعامل با جهان اسلام، عقاید و ارزش‌های توحیدی آن را پذیرفتند و به آن ملحق شدند.



■ گنبد سلطانیه



■ رصدخانه خواجه نصیرالدین طوسی - مراغه - دورهٔ ایلخانی

ممکن است یک جهان اجتماعی در مواجهه با جهان اجتماعی دیگر، ضمن پذیرش بخش‌هایی از آن، هویت جدیدی به دست آورد و بدون اینکه به جهان اجتماعی مقابل ملحق شود، دچار تحولات هویتی گردد. جهان غرب طی جنگ‌های صلیبی، پس از رویارویی با فرهنگ اسلامی و پذیرش برخی لایه‌های آن، بدون اینکه به جهان اسلام بپیوندد، تحولات هویتی پیدا کرد. آیا می‌دانید جهان غرب در قرون وسطی، چه بخش‌هایی از فرهنگ اسلامی را پذیرفت و چه بخش‌هایی از آن را قبول نکرد؟ آیا عقاید و ارزش‌های جهان اسلام را اخذ کرد یا در لایه‌های دیگری دست به انتخاب زد؟ این جهان بار دیگر دچار تحولات هویتی شد. این بار با عبور از عقاید و ارزش‌های مسیحیت قرون وسطی، به عقاید و ارزش‌های دنیوی و سکولار روی آورد و هویت جدیدی پیدا کرد.



■ نمونه‌ای از کتاب‌های منتشر شده ابن عربی در غرب



■ دادگاه تفتیش عقاید قرون وسطی - محاکمه گالیله

ممکن است جهان اجتماعی در مواجهه با جهان‌های دیگر به «خودباختگی فرهنگی» گرفتار شود.

جهان اجتماعی هنگامی به داد و ستد و تعامل می‌پردازد که اعضای آن، به طور فعال و خلاق براساس نیازها، مشکلات و مسائل خود، با جهان اجتماعی دیگر رویارو شوند. اما اگر اعضای آن مبهور و مقهور جهان اجتماعی دیگر شوند و در نتیجه، حالت فعال و خلاق خود را در گزینش عناصر فرهنگی دیگر از دست بدهند، دچار خودباختگی فرهنگی می‌شود. در آن صورت عناصر فرهنگی دیگر را بدون تحقیق و گزینش و به صورت تقلیدی فرا می‌گیرد. جهان اجتماعی خودباخته، به روش تقلیدی عمل می‌کند و ارتباطش را با فرهنگ و تاریخ خود از دست می‌دهد. بنابراین نه می‌تواند فرهنگ گذشته خود را تداوم ببخشد یا گسترش دهد و نه می‌تواند آن را رها کند و از آن بگذرد و به جهان اجتماعی دیگری که مبهور و مقهور آن شده است، ملحق شود. از اینجا رانده و از آنجا مانده!

بسیاری از جوامع غیر غربی، در رویارویی با جهان غرب، به دلیل اینکه مرعوب قدرت اقتصادی و سیاسی برتر غرب گشتند، به خودباختگی فرهنگی گرفتار شدند. خودباختگی جوامع غیر غربی در برابر جهان غرب را «غرب زدگی» می‌نامند.



■ کلبه‌ای کوچک از جنس نقاشی‌های اروپایی روی کاشی‌های ایرانی (کاخ گلستان)



■ رواج غذاهای آماده و نوشیدنی‌های گازدار ناسالم

تعیین کنید

غرب زدگی جوامع غیر غربی مهم‌ترین مانع تعامل آنها با جهان غرب است. به نظر شما این جوامع برای دستیابی به تعامل با جهان غرب باید چه مسیری را بپیمایند؟

از خودبیگانگی فرهنگی چیست؟

در زمین دیگران خانه مکن
کار خود کن، کار بیگانه مکن

در زبان فارسی، «بیگانه» در مقابل خودی به کار می‌رود؛ اما در مواردی ممکن است انسان با خودش بیگانه شود. به این وضعیت «از خودبیگانگی» می‌گویند. نه تنها افراد، بلکه جهان‌های اجتماعی نیز ممکن است دچار از خودبیگانگی شوند که به آن «از خودبیگانگی فرهنگی» گفته می‌شود. از خودبیگانگی فرهنگی به چه معناست؟

معلمی برای اینکه دانش‌آموزان را به مطالعه جغرافیا تشویق کند، می‌گفت: «اگر می‌خواهید گم نشوید، جغرافی بخوانید!» این عبارت کاملاً درست است؛ ولی انسان صرفاً موجودی مکان‌مند نیست که مکان را گم کند یا در مکان گم شود. انسان موجودی زمانمند هم هست و ممکن است زمان را گم کند. برای اینکه زمان را گم نکنند، باید تاریخ را بشناسند. انسان بُعد اجتماعی و فرهنگی هم دارد و باید جامعه و فرهنگ را هم به خوبی بشناسد تا آنها را گم نکند یا در آنها گم نشود. مهم‌تر آنکه انسان ممکن است خودش را گم کند. راستی، ما خود را چگونه بیابیم؟ به تعبیر امام علی(ع): «خدا رحمت کند کسی را که بداند از کجا آمده، کجاست و به کجا می‌رود».

همه این حالت‌های گم‌شدگی، نه تنها برای افراد، بلکه برای گروه‌ها، ملت‌ها، امت‌ها و جهان‌های اجتماعی نیز ممکن است. جهان اجتماعی چگونه از خود بیگانه می‌شود؟



■ جشن هنر شیراز، مراسمی خارج از معیارهای اخلاقی بود که از سال ۱۳۴۶ در شیراز و به ریاست فرح پهلوی برگزار می‌شد و یکی از نشانه‌های ابتذال رژیم پهلوی و ترویج سیاست‌های غرب‌گرایانه بود. سفیر وقت انگلستان در ایران در خاطرات خود آورده است که به شاه گفتم که اگر چنین نمایشی در شهر منجستر اجرا می‌شد، کارگردانان و هنرپیشگان جان سالم به‌در نمی‌بردند. شاه مدتی خندید و چیزی نگفت. (خاطرات دو سفیر، ویلیام سولیوان و سر آنتونی پارسونز)

از خودبیگانگی فرهنگی دو معنای متفاوت دارد.

- اگر جهان اجتماعی فرهنگ تاریخی خود را فراموش کند، دچار از خودبیگانگی تاریخی می‌شود. جوامع خودباخته‌ای که در مواجهه با فرهنگ دیگر، هویت خود را از یاد می‌برند، به این معنای از خودبیگانگی گرفتار می‌شوند.

- اگر عقاید و ارزش‌های یک جهان اجتماعی، مانع از آشنایی اعضای آن با حقیقت انسان و جهان شود، آن جهان دچار از خود بیگانگی حقیقی (فطری) می‌شود.^۱

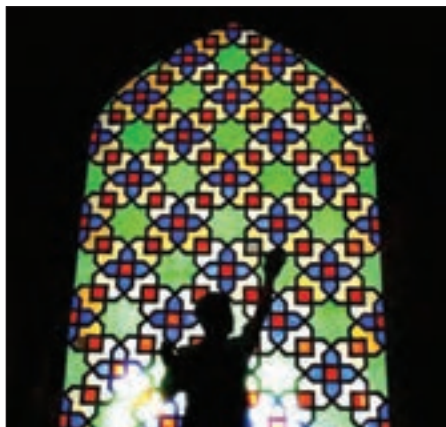
جهان‌های اجتماعی که براساس فطرت انسان شکل نگرفته‌اند و از عقاید و ارزش‌های حق برخوردار نیستند، مانع از آن می‌شوند که انسان‌ها به شناخت و تفسیری صحیح از عالم و آدم برسند.

در این جهان‌های اجتماعی، انسان‌ها از حقیقت خود و هستی دور می‌مانند. تصویری که از انسان ارائه می‌شود، سرابی از حقیقت است؛ به همین دلیل فطرت آدمی در این جهان به آرامش نمی‌رسد و به اضطراب و تشویش گرفتار می‌شود و در نهایت، سر به عصیان و اعتراض برمی‌دارد. از نظر قرآن، انسان هنگامی به شناخت حقیقت خود و جهان می‌رسد که با نگاه توحیدی به خود و جهان بنگرد. قرآن کریم فراموش کردن خداوند را سبب فراموشی انسان از خود می‌داند و می‌فرماید: «وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ نَسُوا اللَّهَ فَأَنْسَاهُمْ أَنْفُسَهُمْ». همچون کسانی نباشید که خداوند را فراموش کردند، سپس خداوند نیز آنها را از یاد خودشان برد. (سوره حشر، آیه ۱۹)

براساس این نگاه، تنها جهان اجتماعی توحیدی است که درهای آسمان و زمین را به روی انسان می‌گشاید و او را با حقیقت خود و جهان هستی آشنا می‌کند. انسانی که به خودآگاهی می‌رسد،

۱- با توجه به مطالب درس ۷ می‌توان گفت در صورتی که اعضای یک جهان اجتماعی، واقعیت‌ها و آرمان‌های خود را فراموش نکنند، آن جهان اجتماعی دارای هویت تاریخی است و اگر واقعیت‌ها و آرمان‌های آن مطابق حق باشند، دارای «هویت حقیقی» است.

خویش و جهان را آیات و نشانه‌های خداوند می‌یابد و همواره انیس و همنشین خداوند است. جهان اجتماعی مشرکانه اساطیری و جهان اجتماعی سکولار و دنیوی، آدمی را نه تنها از حقیقت جهان، بلکه از حقیقت خود نیز بیگانه می‌کند.



■ حقیقت جویی

تحلیل کنید

از خودبیگانگی تاریخی و حقیقی چه ارتباطی با هم دارند؟ آیا اگر جهان اجتماعی به یکی از معانی از خودبیگانگی دچار شود، ناگزیر به دیگری هم مبتلا می‌شود؟ یا ممکن است جامعه‌ای در یک معنا از خودبیگانه نباشد، ولی در معنای دیگر، از خود بیگانه باشد؟

مفاهیم اساسی

از خودبیگانگی فرهنگی،

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

خلاصه کنید

– از خود بیگانگی تاریخی و از خود بیگانگی حقیقی دو نوع متفاوت از خود بیگانگی فرهنگی هستند.

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

آنچه از این درس آموختیم

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....



هویت ایرانی

«هویت فرهنگی ایران»

درس ۱۳

هویت ایرانی در گذر زمان، چه تحولاتی به خود دیده است؟

افراد معمولاً خودشان را با ویژگی‌هایی مانند قد، قیافه، پوشش، شغل، ثروت، قدرت، تبار خانوادگی، مهارت، علاقه، هنر، دانش، خلق، ایمان، اعتقاد و... می‌شناسند و به دیگران معرفی می‌کنند. گروه‌ها، اقوام، ملت‌ها، امت‌ها و... نیز خودشان را با ویژگی‌هایی چون سرزمین، تاریخ، جمعیت، اقتصاد، سیاست، فرهنگ و... می‌شناسند و به دیگران معرفی می‌کنند. ایران و ایرانی با چه ویژگی‌هایی شناخته می‌شود؟ اسلام چه تأثیری در هویت ایرانی داشته است؟

جهان سر به سر زیر دست منست
 ندادند شیر ژیان را به کس
 به نیکی ندارند از بد هراس
 کنام پلنگان و شیران شود
 بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
 جهان بر بداندیش تنگ آوریم
 از آن به که کشور به دشمن دهیم
 چه نیکوتر از مرگ در کارزار

ندانی چو ایران نشست منست
 هنر نزد ایرانیان است و بس
 همه یکدلانند یزدان شناس
 دریغ است ایران که ویران شود
 چو ایران نباشد تن من مباد
 همه روی، یکسر به جنگ آوریم
 اگر سر به سر تن به کشتن دهیم
 اگر کشت خواهد تو را روزگار

فردوسی در این ابیات چه تصویری از هویت ایرانی ارائه می‌کند؟

ایران سرزمینی است که بیش از هفت هزار سال قدمت دارد. در این سرزمین، همواره اقوام مختلفی زندگی کرده‌اند. هویت ایرانی قبل از ظهور اسلام، هویتی توحیدی، دینی و در مواردی آمیخته با اساطیر بود. روایتی از این هویت را در شاهنامه فردوسی می‌توان دید. اقوام مختلف ایرانی با آنکه هویت‌های اجتماعی متفاوتی داشتند، در عقاید و ارزش‌های آیین زرتشت که با آموزه‌های اساطیری درآمیخته بود، هویت فرهنگی واحدی پیدا کردند.

ایرانیان پس از آشنایی با اسلام، عناصر مشرکانه و اساطیری هویت خود را کنار گذاشتند و به تفسیر توحیدی از هویت خویش دست یافتند. عقاید و ارزش‌های توحیدی اسلام، ایران را به جهان اسلام ملحق ساخت و هویت ایرانی به صورت بخشی از هویت جهان اسلام درآمد. فارسی دری از دیرباز به عنوان زبان سیاسی دربار ایران، زبان رسمی مشترک اقوام مختلفی بود که در سرزمین پهناور ایران زندگی می‌کردند. این زبان به دلیل مشارکت فعال ایرانیان در حیات فکری جهان اسلام، از محدوده زبان سیاسی مشترک اقوام ایرانی فراتر رفت و به عنوان زبان دوم جهان اسلام، مرزهای امپراتوری‌های گورکانی و عثمانی را درنوردید و در مناطق مختلف جهان اسلام از هندوستان و تبت، تا آسیای صغیر و شبه جزیره بالکان گسترش یافت. حکیمان و شاعرانی چون مولوی، سعدی، حافظ و... خدمات بی‌نظیری انجام دادند که موجب گسترش زبان فارسی در جهان اسلام شد. ایرانیان مسلمان معارف و هنرهایی تولید کردند که سایر مسلمانان برای دستیابی به آنها، نیازمند آموختن زبان فارسی بودند.



■ مسجد جامع گوهرشاد



■ نقشه کشورهای فارسی زبان

بخش‌های مختلف جهان اسلام و از جمله ایران در تاریخ اسلامی خود با هجوم نظامی و سیاسی اقوام مختلف مواجه شده است. جهان اسلام چگونه با این همه‌ها مقابله می‌کرد؟ جهان اسلام طی سده‌های مختلف یا مانند آنچه در جنگ‌های صلیبی گذشت، به دفع مهاجمان پرداخت یا مانند آنچه در حمله مغول رخ داد، مهاجمان را درون خود جذب و هضم کرد. اما برخورد جهان غرب با جهان اسلام تجربه جدیدی است که هنوز به پایان خود نرسیده است.

قدرت سیاسی و نظامی غرب در نخستین رویارویی‌ها، بخش‌هایی از ذهنیت مسلمانان را به خودباختگی فرهنگی دچار ساخت و این امر سبب شد، تصویری که شرق‌شناسان و تاریخ‌نگاران غربی از هویت جهان اسلام القا می‌کردند، در بین جوامع اسلامی و از جمله جامعه ایران رواج پیدا کند.

در دیدگاه مستشرقان، هویت فرهنگی جوامع اسلامی، توحیدی یا حتی اساطیری نیست، بلکه سکولار و دنیوی است و به ابعاد تاریخی و جغرافیایی آن محدود می‌شود. این هویت در قالب عناوین قوم‌گرایانه و ناسیونالیستی، امت و ملت اسلامی را به اقوام مختلف نظیر ترک، عرب و فارس تقسیم می‌کند.

متفکران ایرانی از دهه سی به بعد، در نقد رویکرد تقلیدی به فرهنگ غرب و هویت‌های کاذبی که از این طریق ساخته می‌شد، آثاری با عناوینی نظیر غرب‌زدگی و بازگشت به خویشتن، پدید آوردند و برخی از اندیشمندان مسلمان کتاب‌هایی را درباره خدمات متقابل اسلام و ایران و همچنین فطرت و خویشتن الهی انسان تدوین کردند.

بخوانیم و بدانیم

دانستید هویت فرهنگی هر جامعه بر مدار عقاید و ارزش‌های اجتماعی کلان آن شکل می‌گیرد. هرگاه افراد جامعه، نوعی از ارزش‌ها را بپذیرند و به رسمیت بشناسند، هویت فرهنگی پدید می‌آید و تا زمانی که این عقاید و ارزش‌ها مورد پذیرش باشند، دوام می‌آورد. البته برقراری روابط پایدار میان افراد جامعه، نیازمند مکان و سرزمین است. مکان، زمینه ارتباط افرادی را که عقاید و ارزش‌های مشترک دارند، فراهم می‌آورد و ادامه حیاتشان را ممکن می‌سازد. به همین دلیل برای مردمی که با هم زندگی می‌کنند، سرزمین یا وطن، ارزشی متفاوت از سایر مکان‌ها پیدا می‌کند و احساس خاصی در آنها به وجود می‌آورد به گونه‌ای که دفاع از آن را تا پای جان وظیفه خود می‌دانند. سرزمین بُعد جغرافیایی هویت جامعه را می‌سازد. افرادی که مدت زیادی با هم زندگی کرده‌اند، سرگذشت و سرنوشت مشترکی پیدا می‌کنند که به صورت خاطره جمعی و مشترک درمی‌آید و از نسلی به نسل دیگر انتقال می‌یابد. این خاطره در گذر زمان، متراکم و مستحکم می‌شود و بُعد تاریخی هویت جامعه را می‌سازد. با برخی دیگر از ابعاد هویت جامعه در درس بعد و با برخی در سال آینده آشنا می‌شوید.



■ نقد رویکردهای تقلیدی به غرب

تحقیق کنید آیا نویسندگان کتاب‌های «غرب‌زدگی»، «بازگشت به خویشتن»، «خدمات متقابل اسلام و ایران» و «فطرت» را می‌شناسید؟ دربارهٔ این آثار و نویسندگان آنها تحقیق کنید.

انقلاب اسلامی چه تأثیری بر هویت ایرانی دارد؟

انقلاب اسلامی ایران چه ارتباطی با هویت ایران و ایرانی دارد؟ و چه تأثیری در احیای هویت جهان اسلام داشته است؟

انقلاب‌ها از مهم‌ترین تحولات در هر جهان اجتماعی محسوب می‌شوند. یکی از مهم‌ترین بحث‌ها دربارهٔ انقلاب، دستاوردها و پیامدهای آن می‌باشد. پیامدهای انقلاب را به شیوه‌های مختلفی دسته‌بندی می‌کنند. مثلاً پیامدهای کوتاه مدت، میان مدت و بلند مدت؛ یا پیامدهای اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی. یکی از مهم‌ترین پیامدهای انقلاب، تحولات هویتی است. انقلاب اسلامی چه آثار هویتی‌ای در ایران و جهان به دنبال آورد؟



■ تبلور تحولات هویتی در شعارهای انقلابی

انقلاب اسلامی ایران حاصل یک سده مقاومت هویت اسلامی ایران در برابر هجوم سیاسی و اقتصادی غرب بود. بازگشت ایران به اسلام، بازگشت به یک خویشتن صرفاً تاریخی و جغرافیایی که با اندیشه‌های دنیوی غربی تفسیر می‌شد، نبود؛ بلکه بازگشت به خویشتن الهی و توحیدی بود.

جامعهٔ ایران به رهبری امام خمینی(ره) و با استفاده از آموزه‌های قرآن و اهل بیت علیهم‌السلام، به هویت اسلامی خود بازگشت و تاریخ و جغرافیای خود را ذیل آسمان معنوی توحید قرار داد و به این ترتیب از مرزهای جامعهٔ ایمانی خود، در برابر جهانی که در مقابل او صف کشیده بود، به مدت هشت سال دفاع کرد. این مقاومت تا امروز ادامه یافته است.



■ ایران اسلامی با هویتی مستقل، فعال و اثرگذار

جامعه ایران با بازگشت به هویت اسلامی خود که هویتی مستقل، فعال و اثرگذار است، به صورت قلب تپنده بیداری اسلامی درآمد. جهان اسلام اینک با الهام گرفتن از انقلاب اسلامی ایران، هویت خود را بیرون از تصاویری که جهان غرب القا می‌کرد، جست‌وجو می‌کند و به این ترتیب، اسلام به عنوان یک قطب فرهنگی جدید ظاهر می‌گردد. حیات معنوی اسلام، افق‌های جدیدی را به روی اندیشمندان جهان غرب نیز گسترده است و نظریه پردازان غربی را که طی قرن بیستم، سکولاریسم و دنیوی شدن را سرنوشت مشترک و حتمی بشریت می‌دانستند، به تأمل و بازبینی نظریات پیشین خود فراخوانده است.



■ مسئله شدن حجاب در کشورهای اروپایی

ای وطن ای مفخر من لطف حقت یار باد
 ای وطن ای خاک پاکت توتیای چشم ما
 ضربه تیغ شما زد صدمه‌ای صدام را
 ای جوانان غیور ای پاسداران وطن
 مژدگانی چیست این فتح الفتوح قرن را
 این چنین فتح نمایان، لشکر اسلام را
 آن کرامت‌ها که در حق اسیران کرده‌اید
 بالله این رفتار تان در یاد عالم نیز نیست
 عالمی در حیرت از ایمان و ایثار شماست
 مرگتان را تسلیت با تهنیت آمیخته‌است
 هر بهاران کز نسیم گل برآید بویتان
 گل نشان بویتان، سنبل نشان مویتان

لطف حقت یار و دشمن خوار، خواری عار باد
 توتیای چشم ما در پرده از اغیار باد
 کز نشانش تا ابد صدامیان را عار باد
 مژده فتح شما با مژدگانی یار باد
 آنکه فتح قدستان پایان این مضمار باد
 فخر تاریخ است و این تاریخ را تکرار باد
 درسی از دین خدا در خاطر کفار باد
 عالمی را این کرامت شیوه رفتار باد
 اسوه ایمان و ایثار این چنین کردار باد
 زندگی را خجلت از مرگی چنین هموار باد
 رنگ هر گل یادگار از هر گل رخسار باد
 نقش روی بویتان همواره در انتظار باد

امیری فیروز کوهی

تحلیل کنید

حجاب و پوشش به عنوان نماد هویت جهان اسلام در صد سال اخیر، فراز و فرودهایی داشته است. در دوران رضاخان حجاب مسئله و معضل درون جامعه ایران بود و زنان مسلمان اجازه رعایت ضوابط دینی خود را نداشتند. اینک حجاب مسئله کشورهای اروپایی شده است و برخی از کشورهای اروپایی از ورود زنان با حجاب به مراکز آموزشی ممانعت می‌کنند. مسئله شدن حجاب در کشورهای اروپایی را با توجه به هویت جهان اسلام تحلیل کنید.



هویت ایرانی

«ابعاد جمعیتی و اقتصادی»^۱

جمعیت هر جامعه چه رابطه‌ای با هویت آن دارد؟

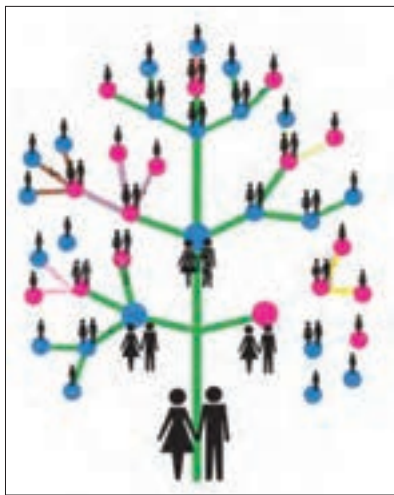
در معرفی جوامع به ویژگی‌های جمعیتی آنها مانند تعداد جمعیت، جوان و پیر، روستایی و شهری، بیکار و شاغل بودن جمعیت و... اشاره می‌کنند. چرا که جمعیت هر جامعه، بخشی از هویت آن محسوب می‌شود. چه رابطه‌ای میان جمعیت و هویت جوامع وجود دارد؟

اولین شرط بقای هر جامعه، جمعیت آن است. وضعیتی را تصور کنید که جمعیت یک جامعه منقرض شود. در آن صورت، آن جامعه نابود می‌شود. در صورت نبود یا کمبود اعضای جامعه، بسیاری از فعالیت‌های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی بر زمین می‌ماند. اما آیا صرف اندازه جمعیت، کفایت می‌کند؟ آیا یک جمعیت غیرمسئول و بی تفاوت می‌تواند نیازهای جامعه را برطرف سازد؟ به نظر شما جمعیت هر جامعه، بر ثروت، امنیت، قدرت و منزلت آن در میان سایر جوامع چه تأثیری دارد؟ جمعیت یک جامعه چه رابطه‌ای با هویت آن دارد؟ جوامع مختلف برای تأمین جمعیت مطلوب خود، چه می‌کنند؟ جامعه ما از این نظر چه وضعیتی دارد؟

۱- شما در درس‌های گذشته با ابعاد ذهنی و عینی جهان اجتماعی آشنا شدید. در این درس به ابعاد عینی هویت ایرانی می‌پردازیم. جمعیت و اقتصاد از عینی‌ترین ابعاد هویت جامعه محسوب می‌شوند.

برای پاسخ به پرسش‌های بالا، لازم است برخی از مطالب اساسی کتاب را با هم مرور کنیم. در یکی از درس‌ها درباره تفاوت جهان طبیعی و جهان اجتماعی بیان شد که جهان پدیده‌ای معنادار است. همچنین گفته شد که به آگاهی‌ها و معانی مشترکی که جهان اجتماعی براساس آن ساخته می‌شود، فرهنگ می‌گویند. آیا این درس را به یاد می‌آورید؟ در درس دیگری گفته شد که هویت هر جهان اجتماعی براساس فرهنگ (عقاید و ارزش‌های کلان) آن شکل می‌گیرد و به همین دلیل از آن به «هویت فرهنگی» تعبیر می‌شود. آیا به یاد دارید این نکات را در چه درسی آموختید؟

یک بار دیگر رابطه آگاهی (معنا)، فرهنگ و هویت جهان اجتماعی را در کلاس بازگو کنید. تشریح این رابطه، به شما کمک می‌کند تا به رابطه جمعیت و هویت جهان اجتماعی پی ببرید. شما با گستره جهان اجتماعی و چگونگی گسترش آن آشنا شوید. گسترش جهان اجتماعی از طریق گسترش فرهنگ و معانی آن صورت می‌گیرد. هر عاملی که در گسترش فرهنگ



و معانی مؤثر باشد، در بسط هویت جهان اجتماعی اثرگذار است. راه گسترش هر فرهنگ، شناختن (اندیشیدن)، پذیرفتن و عمل کردن به آن است. شناختن و عمل کردن صرفاً از عهده افراد و اعضای جهان اجتماعی برمی‌آید. اعضای جهان اجتماعی، حامل و عامل فرهنگ و معانی آن هستند. هرچه حاملان و عاملان یک فرهنگ و معانی آن بیشتر باشند، آن فرهنگ، بسط بیشتری می‌یابد.

این روند را به خوبی می‌توان در گسترش معانی و ارزش‌های خانواده مشاهده کرد. با

ازدواج و تشکیل خانواده، مودت و رحمت میان زن و مرد ایجاد می‌شود^۱. با تولد اولین فرزند، مودت و رحمت میان اعضای خانواده بیشتر می‌شود و رحمت و مودتی که میان زن و شوهر وجود دارد، به رابطه فرزند و والدین نیز تسری می‌یابد. با تولد فرزندان بعدی و بزرگ‌تر شدن خانواده، این معانی و ارزش‌ها گسترده‌تر می‌شود. با گسترش خانواده‌ها و ایجاد نسبت‌هایی

۱- «و از نشانه‌های او این است که برای شما از جنس خودتان همسرانی آفرید تا در کنار آنان آرامش یابید و در میان شما مودت (دوستی) و رحمت (مهربانی) قرار داد؛ یقیناً در این، نشانه‌هایی است برای مردمی که می‌اندیشند» (سوره روم، آیه ۲۱).

چون پدربزرگ، مادربزرگ، خاله، دایی، عمّه، عمو، پسرعمو و... نظام خویشاوندی شکل می‌گیرد که باز هم زمینه گسترش بیشتر مودت و رحمت را فراهم می‌سازد.

به همین ترتیب، افزایش جمعیت یک جهان اجتماعی، به منزله گسترش فرهنگ و معانی آن است و کاهش جمعیت یک جهان اجتماعی نیز به منزله محدود شدن گستره آن است که می‌تواند زمینه‌ساز بسط و تسلط جهان‌های اجتماعی دیگر باشد. از این رو تأمین جمعیت مناسب برای جهان‌های اجتماعی، مسئله‌ای هویتی است.

هدف اسلام تأسیس جهان اجتماعی توحیدی و گسترش آن است. لازمه تحقق این هدف، داشتن جمعیت مناسب است. بنابراین اگر اولاً فرهنگ و معنایی که با افزایش جمعیت، بسط می‌یابد، فرهنگ حق باشد، نه فرهنگ باطل؛ ثانیاً افراد و اعضای این فرهنگ نیز حاملان و عاملان معانی حق باشند، افزایش جمعیت ضروری است. از این رو پیامبر اسلام (ص)، روز محشر به کثرت پیروان خود مباحثات می‌کند.

فقدان هر کدام از این شرایط، مانع تحقق جهان اجتماعی توحیدی است.^۱

بخوانیم و بدانیم

گروه سه نفره نسبت به گروه دو نفره، یک عضو، بیشتر دارد که در ظاهر تفاوت کم‌اهمیتی است. ولی زمانی که این دو گروه را دقیق‌تر مقایسه کنیم، پی‌می‌بریم که همین عامل، تفاوت‌های مهمی به‌دنبال می‌آورد. در گروه دو نفره، کناره‌گیری هر یک از اعضا، به نابودی گروه می‌انجامد. در واقع گروه دو نفره چیزی غیر از اعضایش نیست و هیچ واقعیتی فراتر از اعضای خود ندارد. در این گروه، فرد، تنها با فرد رابطه دارد و از رابطه فرد و گروه خبری نیست. اما زمانی که گروه دو نفره به گروه سه نفره تبدیل می‌شود، تغییرات مهمی رخ می‌دهد. یک عضو جدید، موجب پیدایش دو رابطه جدید می‌شود. غیر از رابطه «الف - ب» دو رابطه «الف - ج» و «ب - ج» نیز ممکن می‌شود. پیدایش این دو رابطه جدید چه نتایجی در پی دارد؟ عضو سوم می‌تواند نقش واسطه و داور را در میان دو عضو پیشین ایفا کند و از این طریق، تنش‌ها را کاهش دهد و از فروپاشی گروه، پیشگیری کند یا می‌تواند میان دو عضو دیگر تضاد و تفرقه ایجاد کند و از این تفرقه برای رسیدن به منافع خودش استفاده کند. در گروه دو نفره این کنش‌ها برای افراد امکان‌پذیر نبود ولی در گروه سه نفره ممکن شد. در گروه سه نفره، رابطه فرد و گروه امکان‌پذیر می‌شود و هر کدام از اعضا می‌تواند به نمایندگی از گروه، چنین کنش‌هایی را انجام دهد. در گروه سه نفره علاوه بر اعضا، پدیده جدیدی به نام جمع نیز به‌وجود می‌آید که محصول عضویت همان فرد سوم بود.

افزایش جمعیت، آثار اجتماعی و فرهنگی دیگری هم به‌دنبال می‌آورد. در گروه‌های کوچک، اعضا می‌توانند با یکدیگر ارتباط رو در رو و مستقیم داشته باشند و با داد و ستد یا یکدیگر، نیازهای خود را برطرف کنند. ولی وقتی جمعیت یک گروه افزایش پیدا کند و به یک گروه بزرگ تبدیل شود، روابط متقابل اعضا

۱- نبود شرط اول، جامعه مشرک (جامعه‌ای که براساس عقاید و ارزش‌های باطل شکل می‌گیرد) می‌سازد و نبود شرط دوم، جامعه فاسق (جامعه‌ای که اعضای آن عقاید و ارزش‌های حق را می‌شناسند ولی به آنها پایبند نیستند) می‌سازد که هر دو مغایر با هدف اسلام‌اند.

آن پیچیده تر می شود و دیگر، روابط بی واسطه ممکن نخواهد بود. از این پس، روابط به کمک «نهادها» برقرار می شود. - مثلاً در گروه های کوچک تر، معامله پایاپای، نیاز اقتصادی اعضا را برآورده می ساخت ولی برای گروه های بزرگ تر، واسطه های مانند پول، ضرورت می یابد. زبانی که یک گروه کوچک تر با آن سخن می گویند، پیچیدگی های زبان یک گروه بسیار بزرگ را ندارد - افزایش جمعیت باعث پدیدار شدن مسائل نوظهوری می شود که جهان اجتماعی باید با استفاده از ظرفیت ها و قابلیت های خود به آنها پاسخ دهد. جهان اجتماعی با گسترش نهادهای موجود و ایجاد نهادهای جدید، برای رفع این مسائل چاره اندیشی می کند. هر نهاد، مجموعه ای از عقاید، ارزش ها، هنجارها و نمادهاست که برای رفع نیاز ویژه ای اختصاص می یابد. از این رو گسترش نهادی، همان گسترش فرهنگ و معانی جهان اجتماعی است. بنابراین لازمه بسط هویت جهان اجتماعی، افزایش جمعیت است.



سیاست های جمعیتی

فرزندآوری نیاز فطری انسان ها و تأمین جمعیت، از کارکردهای مهم نهاد خانواده است. ولی ممکن است در مواقعی اختلال در نهاد خانواده، جهان اجتماعی را با کاهش جمعیت مواجه کند. امروزه جوامع غربی به علت هایی مانند بالا رفتن سن ازدواج، افزایش بی ثباتی، فروپاشی خانواده ها و طلاق، رفاه زدگی، عافیت طلبی و مصرف گرایی و به دنبال آن، هزینه پنداشتن فرزندان و... با مسئله کاهش جمعیت و عوارضی چون پیری و سالمندی جمعیت مواجه اند.^۱ در مواقعی که جهان اجتماعی با کاهش یا رشد جمعیت مواجه می شود، نهاد سیاست که مسئولیت هماهنگی نهادها را برعهده دارد، برای حل مشکل جمعیت چاره اندیشی می کند و با همراهی و همکاری مردم تدابیر و راه حل هایی را به اجرا در می آورد که «سیاست های جمعیتی»

۱- کاهش جمعیت، شاخص و نشانه جهان اجتماعی متجدد است، زیرا قوام خانواده و فرزندآوری در گروه محبت، ایثار و فداکاری است ولی در جهان متجدد به دلیل فردگرایی و اصالت لذت، این محبت و ایثارگری کاهش می یابد که به فرزندآوری کمتر و کاهش شدید جمعیت و فرو افتادن این جوامع در چاله جمعیتی می انجامد. هم اکنون این جوامع برای جبران کاهش جمعیت، سیاست های تشویقی و همچنین پذیرش مهاجران را در دستور کار خود قرار داده اند.

نامیده می‌شود. سیاست‌های جمعیتی می‌تواند در راستای رشد یا کاهش جمعیت باشد. ایران ما در دو برهه زمانی، سیاست‌های کاهش جمعیت را اجرا کرد. یک بار پیش از انقلاب اسلامی که از سال ۱۳۴۵ تا زمان پیروزی انقلاب به طول انجامید و طی آن میزان رشد سالانه جمعیت، از حدود ۳/۱ به ۲/۷ درصد در سال کاهش یافت. دیگر بار، بنا به ضرورت از سال ۱۳۶۸ تا ۱۳۹۰ سیاست کاهش جمعیت اتخاذ و اجرا شد که در نتیجه آن میزان رشد سالانه جمعیت از ۳/۹ به ۱/۳ درصد کاهش یافت. تداوم این روند در آینده می‌تواند آثار زیان‌باری در پی داشته باشد. آیا می‌توانید به برخی از آنها اشاره کنید؟ کاهش بیش از حد و کم سابقه رشد سالانه جمعیت، زمینه تغییر سیاست‌های جمعیتی را فراهم آورد. از سال ۱۳۹۰ تجدید نظر در سیاست‌های کاهش جمعیت شروع شد و سرانجام در سال ۱۳۹۳ اصول کلی سیاست‌های جمعیتی کشور تصویب گردید.

بخوانیم و بدانیم

هرگونه اقدام به نابودی و حذف فیزیکی کل یا بخشی از جمعیت یک گروه بومی، قومی، مذهبی و... را نسل‌کشی یا پاک‌سازی نسلی می‌گویند. پدیده نسل‌کشی در جهان، نشانگر ابعاد هویتی جمعیت است. در گذر زمان، نسل‌کشی‌های بسیاری انجام شده است.

اروپاییان در هجوم به قاره آمریکا برای تأمین سلطه خود، به نسل‌کشی و از بین بردن ساکنان بومی پرداختند و در یک مقطع پنجاه ساله، پانزده میلیون سرخ پوست را نابود کردند و مناطقی نظیر هائیتی، کوبا، نیکاراگوئه و سواحل ونزوئلا را که تراکم جمعیتی بالایی داشتند، از جمعیت خالی کردند. دو نسل‌کشی در بوسنی صورت گرفت؛ یکی در سربرنیتسا در سال ۱۹۹۵ و دیگری در طول جنگ ۱۹۹۵-۱۹۹۲ در سراسر بوسنی.

رژیم اشغالگر قدس برای تغییر ترکیب جمعیتی سرزمین‌های اشغالی و بیشتر شدن تعداد یهودیان نسبت به مسلمانان و اجرای طرح‌های توسعه طلبانه خود، ضمن حذف فیزیکی اعراب مسلمان و آواره کردن آنها به جذب مهاجران یهودی از سراسر دنیا و کوچ دادن آنها به سرزمین‌های اشغالی اقدام می‌کند.



■ اجرای طرح‌های توسعه طلبانه رژیم اشغالگر قدس و تلاش برای تغییر ترکیب جمعیتی سرزمین‌های اشغالی

■ قبرستان مسلمانان - ساریوو

پیشنهاد دهید

متن «سیاست‌های کلی جمعیت» در جمهوری اسلامی ایران را در کلاس مطالعه کنید، سپس یک بند از آن را به دلخواه انتخاب کنید و بگویید اگر شما به جای مدیران و مسئولان کشور بودید، برای تحقق آن چه می‌کردید؟



حضور فعال و مؤثر افراد جامعه در شکل‌گیری هویت اقتصادی

منظور از هویت اقتصادی جامعه چیست؟

به آن دسته از فعالیت‌های روزمره که برای تهیه و تولید وسایل ضروری زندگی و رفع نیازهای مادی و معیشتی خود و دیگران انجام می‌دهیم، کنش اقتصادی می‌گویند. کنش‌های اقتصادی ما، بخشی از کنش‌های اجتماعی‌اند؛ زیرا در رابطه با دیگران صورت می‌گیرند. مجموعه کنش‌ها، روابط و قواعدی که حول تولید و مصرف کالا و خدمات و توزیع درآمد و ثروت صورت می‌گیرد، نهاد اقتصاد را شکل می‌دهد. می‌دانید که نهادها در تمامی جوامع وجود دارند، ولی انواع و اشکال متفاوتی دارند.

آیا اقتصاد نیز این‌گونه است؟ در هر جامعه‌ای، اقتصاد در رابطه با سایر نهادها شکل می‌گیرد و با آنها تناسب پیدا می‌کند. از این رو یکی از وجوه تمایز جوامع، اقتصاد و مؤلفه‌های اقتصادی آنهاست. منظور از هویت اقتصادی جامعه چیست؟ شیوه‌های تقویت و تضعیف آن کدام‌اند؟

افراد خود را کارآفرین، تولیدکننده، کارگر، کارمند، تاجر و... معرفی می‌کنند. همه ما مصرف‌کننده یا احیاناً مالیات‌دهنده نیز هستیم؛ ولی به دلیل اینکه ما را از دیگران متمایز نمی‌کند، آن را به زبان نمی‌آوریم. برخی از افراد کم‌فروش، محترک، دلال و... هستند ولی به دلیل ضد ارزش بودن، این کار خود را مخفی می‌کنند. آیا این عناوین همه نشانگر هویت اقتصادی افراد نیست؟

آیا تنها می‌توان از هویت اقتصادی افراد سخن گفت؟ یا اینکه گروه‌ها، سازمان‌ها، کشورها و جهان‌های اجتماعی نیز دارای هویت اقتصادی هستند؟ آیا مجمع خیرین مدرسه‌ساز، انجمن حمایت از بیماران خاص، شرکت تعاونی و... که دور هم جمع می‌شوند تا خدمتی به دیگران ارائه کنند، هویت اقتصادی ندارند؟ جوامع مختلف نیز هویت اقتصادی دارند. از این رو در معرفی جوامع، به ویژگی‌های اقتصادی آنها اشاره می‌کنند. مثلاً از اقتصادهای دانش‌بنیان؛ تک‌محصولی (مانند اقتصاد نفتی)؛ مقاوم / شکننده؛ دستوری/غیردستوری؛ سرمایه‌داری / سوسیالیستی / اسلامی؛ و... یاد می‌کنند. ویژگی‌های هویت اقتصادی جامعه ما کدام‌اند؟

اقتصاد امروز ما، محصول رویدادهای گذشته و عملکرد کنونی ماست. این اقتصاد از سویی انواع دستاوردهای اقتصادی مانند گسترش بهره‌مندی مردم کشور از آب و برق و گاز و ارتباطات، ایجاد زیرساخت‌های مختلف مثل سدها و نیروگاه‌ها، توسعه ظرفیت تولیدی کشور در انواع محصولات، ارتقای شاخص‌های بهداشت و درمان، موفقیت‌های علم و فناوری، سازندگی خرابی‌های ناشی از جنگ، جبران برخی عقب‌ماندگی‌های تاریخی، مقابله با تحریم‌ها و... را در پی داشته است و از سوی دیگر با معضلاتی چون تورم، بیکاری، وابستگی به نفت، توزیع نابرابر امکانات، تجمل‌گرایی و غلبه فرهنگ مصرفی و... دست به گریبان است.



■ مجتمع تولیدی مینا

از جمله عوامل شکل‌گیری این اقتصاد در طول تاریخ معاصر ایران، کشف نفت و سرمایه‌های حاصل از فروش نفت به خارجیان بوده است. اگرچه سرمایه‌های نفتی می‌تواند به انواع دارایی‌ها و ثروت‌ها مانند صنایع و کارخانجات تولیدی مختلف تبدیل شود؛ اما اگر به درستی استفاده نشود، می‌تواند اقتصادی وابسته ایجاد کند که رشد و افول آن، به قیمت و درآمد نفتی وابسته است. آیا دربارهٔ آثار نوسانات قیمت نفت بر یک اقتصاد وابسته چیزی می‌دانید؟

چنین اقتصادی از آن جهت که درآمد هنگفت و بدون زحمتی ایجاد می‌کند، باعث شکل‌گیری تولید ملی ضعیف و شکننده‌ای می‌شود که مستقیم و غیرمستقیم وابسته به نفت است؛ دولت بزرگی به وجود می‌آید که می‌کوشد رفاه اقتصادی را به مدد نفت و نه رواج کسب و کار، افزایش دهد و حتی هزینه‌های آموزش و بهداشت را - که در بیشتر نقاط دنیا از محل مالیات‌ها پرداخت می‌شود - به کمک درآمدهای نفتی تأمین کند.

این وضعیت می‌تواند در کوتاه‌مدت احساس رفاه بیشتری را آن هم با نوسانات زیاد برای مردم به ارمغان آورد؛ اما پایدار نیست. در مقابل وضعیت شکننده‌ای را به وجود می‌آورد که می‌تواند مورد سوء استفادهٔ طمع‌ورزان بین‌المللی قرار گیرد و از آن به عنوان ابزاری برای ایجاد فشار بر جامعه

استفاده کنند. انواع تحریم‌های اقتصادی نفتی و مالی با همین رویکرد علیه کشور ما اجرا شده است تا اولاً درآمد نفتی کشور را محدود کنند؛ ثانیاً از انتقال آن به کشور ممانعت ورزند. هجوم اقتصادی به ایران تاریخی طولانی دارد و در ادوار مختلف از سوی استعمارگران غربی به صورت‌های مختلفی دنبال شده است. این کار در زمان قاجار با تلاش برای اخذ امتیازات مختلف مانند امتیاز روپتر و رژی و... و در دوره پهلوی از طریق تاراج نفت، فروش جنگ‌افزار و کالاهای مصرفی و صنایع مونتاژ و تخریب بنیان‌های تولید ملی به‌ویژه روح خودباوری ملت ایران انجام شد. در مورد نقش اصلاحات ارضی در تخریب کشاورزی ایران چه می‌دانید؟

تهاجم اقتصادی استعمارگران غربی در طول تاریخ، علیه سایر ملت‌ها، اعمال می‌شده و در مقابل، واکنش‌های آنها را در پی داشته است؛ چرا که اقتصاد، روزه و ورود استعمار و نابودی هویت سیاسی، اجتماعی و فرهنگی جوامع به شمار می‌رود. کمپانی هند شرقی انگلیس که با ماهیت اقتصادی و تجاری فعالیت می‌کرد، عملاً ابزاری برای هویت‌زدایی و غارت و چپاول دارایی‌های عظیم مردم هند بود و مقاومت مردم هند به رهبری گاندی، نمونه‌ای از واکنش به چنین اقداماتی بود.

جهان غرب، هویت خود را براساس اقتصاد شکل می‌دهد و سرمایه‌داری، عامل اصلی هویت‌یابی افراد و جوامع غربی است. در این جهان، هویت انسان‌ها و جوامع، بیش از هر چیز به دارایی و توان اقتصادی آنها وابسته است. جوامع دیگری که به تبعیت از غرب، رویکرد سکولار و دنیوی دارند نیز هویت سرمایه‌داری پیدا می‌کنند.

این جهان اجتماعی در اقتصاد هیچ مانعی را بر سر راه خود بر نمی‌تابد و در مسیر گسترش خود، شیوه‌های اقتصادی غیرسرمایه‌دارانه را در سراسر جهان نابود می‌کند.^۱

بنابراین برخی از کشورهای سلطه‌گر غرب، که از سویی اقتصاد را اساس همه چیز می‌پندارند و از سوی دیگر، تمامی شیوه‌های اقتصادی غیرسرمایه‌داری را نابود شده می‌بینند، پاشنه آشیل ایران اسلامی را اقتصاد می‌دانند؛ از این‌رو جنگ اقتصادی تمام‌عیاری را علیه کشور ما به راه انداخته‌اند.

۱- شیوه سرمایه‌داری یعنی جستجوی سود از طریق بازار. در این شیوه اقتصادی، هدف کنش‌گران و نگاه‌های اقتصادی، به‌دست آوردن حداکثر سود است و وسیله آنها استفاده از علوم تجربی برای ساماندهی حسابگرانه و دقیق مؤلفه‌های اقتصادی (کار، سرمایه، مواد، فناوری و...) برای تضمین حداکثر سود است. این اقتصاد نه براساس رفع نیاز انسان‌ها بلکه بر محور سود شکل می‌گیرد. از این‌رو بیشترین تخریب‌ها در طبیعت و منابع طبیعی را در پی داشته و در موارد بسیاری با فطرت انسان‌ها ناسازگار بوده است. انسان‌ها می‌توانند با هدف رفع نیازهای خود و دیگران دست به فعالیت اقتصادی بزنند و در این راستا از تمامی ظرفیت‌های پیدا و پنهان عالم و آدم استفاده کنند. در طول تاریخ همواره شیوه‌های اقتصادی دیگری غیر از شیوه سرمایه‌داری مانند شیوه‌های همیاری، تعاونی، دولتی، سوسیالیستی و... وجود داشته است. آیات زیر به وضوح تقابل نگاه قرآن را با اصالت بخشیدن به سرمایه و شیوه‌های سرمایه‌دارانه نشان می‌دهد. «هر کس تقوای الهی پیشه کند، خداوند راه نجاتی برای او فراهم می‌کند و او را از جایی که گمان ندارد روزی می‌دهد» (طلاق، ۲) «اگر اهل شهرها و آبادی‌ها، ایمان می‌آوردند و تقوا پیشه می‌کردند به یقین برکات آسمان و زمین را بر آنها می‌گشودیم» (اعراف، ۹۶). «اگر آنان آنچه را از سوی پروردگارش بر آنها نازل شده برپا می‌داشتند از آسمان و زمین روزی می‌خورندند» (مائده، ۶۶) «ای پیامبر از اموال آنها صدقه‌ای (زکات) بگیری تا به وسیله آن، آنها را پاک‌سازی و پرورش دهی» (توبه، ۱۰۳) «خداوند ربا را نابود می‌کند و صدقات را افزایش می‌دهد» (بقره، ۲۷۶)



در چنین موقعیتی راه نجات اقتصاد ایران و احیای هویت آن چیست؟ ایران اسلامی، آرمان بازسازی هویت اقتصادی خود را با اجرای قانون اساسی و سیاست‌های اقتصاد مقاومتی تعقیب می‌کند. اقتصاد مقاومتی، الگویی از اقتصاد پیشرفته، مستقل و مستحکم است که با باور به تعالیم حیات‌بخش اسلام و اتکاء به ظرفیت‌های مولد مردمی و دولتی، روحیه جهادی، خلاقیت، نوآوری، امید، همبستگی، و با حضور فعال و مؤثر در تعاملات جهانی، برای مردم ایران، امنیت، رفاه و پیشرفت توأم با عدالت؛ و برای جهان اسلام و بشریت الگویی ایرانی - اسلامی از رشد و شکوفایی را به ارمغان می‌آورد.

مردم و دولت ایران می‌کوشند براساس عدالت، با اتکا به دانش و فناوری و با تأکید بر استقلال، خودکفایی، منع خام‌فروشی ثروت‌های طبیعی^۱، حفظ اقتدار و عزت ملی، درون‌زایی در عین برون‌گرایی^۲ هویت اقتصادی نوینی را در این سرزمین پایه‌ریزی کنند. این هویت اقتصادی در مقابل انواع مشکلات و موانع، مقاوم و پایدار می‌شود تا بتواند مسیر پیشرفت را بدون تأثیرپذیری از دشمنی‌های بیرونی و موانع درونی طی نماید.

پیشنهاد دهید

متن «سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی» در جمهوری اسلامی ایران را در کلاس مطالعه کنید و با توجه به آن، به سؤالات زیر پاسخ دهید.
- ساز و کارهای مقاوم سازی اقتصاد ایران در برابر موانع داخلی و خارجی پیشرفت کدام‌اند؟
- شما دانش‌آموزان برای تحقق اقتصاد مقاومتی چه مسئولیتی بر عهده دارید؟

۱- فروش نفت خام بدون تبدیل آن به مواد دارای ارزش افزوده بالاتر، مانند محصولات پتروشیمی در داخل.
۲- اقتصادی که مانند چشمه‌ای از درون بجوشد و بر تولید داخلی قوی خود متکی است ولی صرفاً برای خود تولید نمی‌کند؛ بلکه آن را به صورتی متعادل با سایر کشورها مبادله می‌کند.

مفاهیم اساسی

ابعاد عینی هویت،

.....

.....

.....

.....

.....

.....

خلاصه کنید

– هر جهان اجتماعی برای گسترش و پیشرفت به جمعیت مناسب نیاز دارد.

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

آنچه از این درس آموختیم

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

- ادوارد، سعید، ۱۳۸۹. برخورد تمدن‌های غرب و اسلام. ترجمه عبدالرحیم گواهی. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- ادوارد، سعید، ۱۳۸۶. شرق‌شناسی. ترجمه لطفعلی خنجی. تهران: امیرکبیر.
- آرون، ریمون، ۱۳۶۴. مراحل اساسی سیر اندیشه در جامعه‌شناسی. ترجمه باقر پرهام. تهران: سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی.
- آربلاستر، آنتونی، ۱۳۷۶. ظهور و افول لیبرالیسم. ترجمه عباس مخبر. تهران: نشر مرکز.
- افروغ، عماد، ۱۳۸۷. هویت ایرانی و حقوق فرهنگی. تهران: سوره مهر.
- آل احمد، جلال، ۱۳۷۵. غرب‌زدگی. تهران: رواق.
- اورعی، غلامرضا، ۱۳۶۸. پدیده اجتماعی، مجله رشد آموزش علوم اجتماعی. شماره ۱. ۳۹-۳۶.
- ببی، ارل، ۱۳۸۶. جامعه‌شناسی علمی انتقادی. ترجمه محمد حسین پناهی. تهران: انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی.
- برگر، پیتر و توماس لاکمن، ۱۳۸۰. افول سکولاریسم. ترجمه امیری و افشار. تهران: پنگان.
- برگر، پیتر، ۱۳۷۵. ساخت اجتماعی واقعیت. ترجمه فریبرز مجیدی. تهران: انتشارات علمی فرهنگی.
- پارسانیا، حمید، ۱۳۷۶. حدیث پیمان‌ها. قم: معارف.
- پارسانیا، حمید، ۱۳۹۲. جهان‌های اجتماعی. قم: کتاب فردا.
- پارسانیا، حمید، ۱۳۷۳. نماد و اسطوره. قم: اسراء.
- جعفری، محمدتقی، ۱۳۷۹. فرهنگ پیرو فرهنگ پیشرو. تهران: مؤسسه تدوین و نشر آثار علامه جعفری.
- جنکینز، ریچارد، ۱۳۸۱. هویت اجتماعی. ترجمه تورج یارمحمدی. تهران: شیرازه.
- جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۹۱. مفاتیح‌الحیة. قم: اسراء.
- دارندورف، رالف، ۱۳۷۷. انسان اجتماعی. ترجمه غلامرضا خدیوی. تهران: آگاه.
- روشه، گی، ۱۳۶۷. کنش اجتماعی. ترجمه هما زنجانی‌زاده. مشهد: دانشگاه فردوسی مشهد.
- روح‌الامینی، محمود، ۱۳۶۵. زمینه فرهنگ‌شناسی. تهران: عطار.
- ریتزر، جورج، ۱۳۷۴. نظریه‌های جامعه‌شناسی در دوران معاصر. ترجمه محسن ثلاثی. تهران: انتشارات علمی.
- شریعتی، علی، ۱۳۸۷. بازگشت به خویشتن. تهران: قومس.
- صدر، محمد باقر، ۱۳۸۷. اقتصادنا. قم: بوستان کتاب.
- طباطبایی، محمدحسین، ۱۳۷۴. اسلام و انسان معاصر. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- طالبی، ابوتراب، ۱۳۸۵. مفهوم و ویژگی ارزش‌ها. مجله رشد آموزش علوم اجتماعی، شماره ۳۰. ۱۹-۱۶.

- عضدانلو، حمید، ۱۳۸۴. آشنایی با مفاهیم اساسی جامعه‌شناسی. تهران: نی.
- فارابی، ابونصر، ۱۳۵۸. سیاست مدنیّه. ترجمه جعفر سجادی. تهران: انجمن فلسفه ایران.
- فارابی، ابونصر، ۱۳۷۹. آراء اهل مدینه فاضله. ترجمه جعفر سجادی. تهران: نشر طه‌ورا.
- فانون، فرانتس (۱۳۵۶) دوزخیان روی زمین. ترجمه علی شریعتی. نشر تلاش.
- فی، برایان، ۱۳۸۱. فلسفه امروزمین علوم اجتماعی. ترجمه خشایار دیهیمی. تهران: طرح نو.
- قزائنی، محسن، ۱۳۹۵. ده درس پیرامون امر به معروف و نهی از منکر. تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.
- کچوئیان، حسین، ۱۳۸۴. تطورات گفتمان‌های هویتی ایران. تهران: نی.
- کرایب، یان، ۱۳۸۲. نظریه اجتماعی کلاسیک. ترجمه شهناز مسمی پرست. تهران: آگاه.
- کرایب، یان، ۱۳۷۸. نظریه اجتماعی مدرن، از پارسونز تا هابرماس. ترجمه عباس مخبر. تهران: آگاه.
- کوزر، لوئیس، آلفرد، ۱۳۸۰. زندگی و اندیشه بزرگان جامعه‌شناسی. ترجمه محسن ثلاثی. تهران: انتشارات علمی.
- کهن، لارنس، ۱۳۸۱. از مدرنیسم تا پست مدرنیسم. ترجمه عبدالکریم رشیدیان. تهران: نشر نی.
- گیدنز، آنتونی، ۱۳۷۳. جامعه‌شناسی. ترجمه منوچهر صبوری. تهران: نی.
- مطهری، مرتضی، ۱۳۷۷. خدمات متقابل اسلام و ایران. تهران: صدرا.
- مطهری، مرتضی، ۱۳۶۱. فطرت. تهران: انجمن اسلامی دانشجویان مدرسه عالی.
- وبر، ماکس، ۱۳۷۱. اخلاق پروتستان و روح سرمایه‌داری. ترجمه عبدالمعبود انصاری. تهران: انتشارات سمت.
- هابرماس، یورگن، ۱۳۸۴. نظریه کنش ارتباطی. ترجمه کمال پولادی. تهران: مؤسسه انتشاراتی روزنامه ایران.
- هیوز، استوارت، ۱۳۶۹. آگاهی و جامعه. ترجمه عزت‌الله فولادوند. تهران: انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی.
- یوسفیان، جواد، ۱۳۶۸. نگاهی به مفهوم فرهنگ. مجله رشد آموزش علوم اجتماعی. شماره ۲، ۲۵-۲۱.

